

تقدیم به:

نازنین همراهم، شبنم

و بی نظیر دلبدانم، سیدامیرعلی و سیدارمیا

دوست عزیز!

پس از انتشار کتاب فارسی موضوعی دوازدهم، فرمول ۲۰ پیشرفته، با شنیده شدن زمره‌های برگزاری امتحانات نهایی در پایه یازدهم، به پیشنهاد ناشر محترم و برادر بزرگوارم، مهندس محمد جوکار جان، بر آن شدیم که در پایه یازدهم نیز کتابی بر همان سبک و سیاق بنویسیم.

اثری که پیش روی شماست، یکی از نخستین آثار آموزشی کشور است که با رویکرد «فارسی آموزی بر اساس موضوع» ارائه شده است تا دانش‌آموزان عزیز از سردرگمی برای مطالعه این درس رها شوند و بتوانند با شیوه‌ای درست و منطقی به نمره دلخواه خود دست یابند.

این کتاب در کلی‌ترین تقسیم‌بندی خود، به ترتیب شامل پنج بخش است: ۱ دستور زبان فارسی (۴ نمره) ۲ آرایه‌های ادبی (۳ نمره) ۳ معنی و املا (۳ نمره) ۴ معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر (۱۰ نمره) ۵ پاسخ تشریحی کارگاه‌های متن‌پژوهی و آزمون‌های نهایی.

دلیل ما برای این نوع تقسیم‌بندی این بود که مباحثی چون «معنی واژه، املا، معنی و مفهوم شعر و نثر، تاریخ ادبیات و حفظ شعر» مربوط به حیطه دانشی و از مقوله حفظیات‌اند، لذا دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با تکیه بر محفوظات خود به پرسش‌های این مباحث پاسخ دهند؛ اما بخش «دستور زبان و آرایه‌های ادبی» کاربردی، شناختی و مبتنی بر یادگیری‌اند و اغلب دانش‌آموزان در این دو مبحث به ویژه دستور زبان با چالش مواجهند. از این رو تصمیم گرفتیم کتاب را با مبحث دستور آغاز کنیم و با بیان مفصل موضوعات دستوری و نکته‌های راهبردی همراه با مثال‌های متعدد، این بخش را با زبانی ساده و روان برای دانش‌آموزان عزیز تبیین نماییم، به گونه‌ای که بتوانند به راحتی با این بخش را کسب کنند. اما در بخش دوم چون ارائه درس به درس آرایه‌های ادبی آسان نبود، این مبحث را صرفاً براساس شاخص بودن آرایه موردنظر در درس‌ها و در نظر داشتن سؤالات ارائه‌شده در قلمرو ادبی درس‌ها و البته با چاشنی ذوق و سلیقه فردی تقسیم‌بندی کرده‌ایم.

در بخش معنی و املا، واژه، با ارائه دسته‌بندی دقیق از واژگان کتاب درسی و پرداختن به روابط معنایی واژگان و واژگان هم‌آوا در بخش املا، نیاز دانش‌آموزان را در این دو موضوع به خوبی مرتفع ساخته، امکان دست‌یابی به باارم این دو مبحث را برایشان ساده کرده‌ایم.

در بخش معنی و مفهوم و درک مطلب، علاوه بر آوردن معنا، مفهوم، تناسب و تقابل معنایی ابیات و عبارات متن اصلی درس‌ها، ابیات و عبارات کارگاه‌های متن‌پژوهی را نیز مدنظر قرار داده‌ایم. همچنین به منظور شناسایی نقش دستوری واژگان در ابیات و بازگردانی آن‌ها از شیوه بلاغی به عادی، «ترتیب ارکان دستوری» را در زیر هر بیت آورده‌ایم؛ کاری که کمتر کتابی به آن پرداخته یا اصلاً توجهی به این موضوع نداشته است! در بخش تاریخ ادبیات، نام آثار مذکور در کتاب درسی و پدید آورندگان آن‌ها را در قالب جدولی ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان برای شب امتحان، در یک نگاه بتوانند آن‌ها را به حافظه بسپارند و به راحتی باارم یک نمره‌ای این مبحث را کسب کنند.

در پایان نیز مبحث حفظ شعر را با آوردن چهار شعرخوانی کتاب درسی و طراحی سؤالات متنوع ارائه کرده‌ایم تا دانش‌آموزان عزیز با انواع تیپ سؤالات این بخش آشنا شوند و با تکیه بر محفوظات خود از پاسخ‌دهی به سؤالات این بخش درنمانند.

در بخش پنجم کتاب، علاوه بر پاسخ تشریحی سؤالات هر مبحث، پاسخ پرسش‌های کارگاه‌های متن‌پژوهی آورده شده تا اگر پرسشی عیناً در امتحان نهایی آمد، دانش‌آموزان پاسخ آن را دیده باشند و بتوانند به راحتی از عهده پاسخ‌گویی برآیند. همچنین چهار آزمون نهایی و شبه‌نهایی سال‌های اخیر به همراه پاسخ در انتهای این بخش گنجانده شده تا دانش‌آموزان عزیز با نحوه طراحی سؤالات آشنا شوند و دانسته‌های خود را در هر قلمرو محک بزنند.

بر خود واجب می‌دانم از سرکار خانم سرور فلاحی نژاد، همکار سخت‌کوش و ریزبین، که با دقت نظر، دانش بالا و صداقت خود ما را در نگارش این اثر همراهی نمودند، سپاس‌گزاری کنم.

در پایان چشم می‌دارم به ادب‌دوستان و همکاران فرهیخته که با بیان دیدگاه‌های ارزشمند خود از طریق تماس با شماره ۰۲۱-۶۴۲۰ و صندوق پستی ۳۷۷-۱۳۱۴۵ راهنمایم باشند.

از آن سیمرخ را در قاف غربت آشیان دادند
که شد زین دامگه مشغول آب و دانه‌ای کمتر
سید محمد موسوی



بخش دوم

آرایه‌های ادبی	۳ نمره
تشبیه	۷۴
مجاز	۷۶
استعاره	۷۸
حسن آمیزی	۸۱
مفاهیم مربوط به شعر و قالب‌های شعر فارسی	۸۲
سجع و جناس	۸۶
تلمیح و تضمین	۸۸
تضاد و متناقض نما / سهل ممتنع	۹۱
حسن تعلیل	۹۳
ایهام و ابهام تناسب	۹۴
واج‌آرایی و واژه‌آرایی / زمینه‌های حماسه	۹۷
اغراق	۹۹
کنایه	۱۰۰
تمثیل، ضرب‌المثل یا ارسال المثل	۱۰۲
تماد	۱۰۳
مراعات نظیر (تناسب)	۱۰۳
ایستگاه سؤال	۱۰۴



بخش اول

دستور زبان	۴ نمره
پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان	۱۰
فعل معلوم و مجهول / فعل دعایی	۱۳
پیدا کردن نقش واژه در جمله	۱۴
گروه اسمی و وابسته‌های پیشین	۱۷
ضمایر متصل و نقش دستوری آن‌ها / جایه‌جایی ضمیر / شیوه بلاغی و عادی	۱۸
ضمیر و مرجع ضمیر	۲۱
نقش‌های تبعی	۲۲
واژگان دو تلفظی / شمارش تعداد جمله	۲۳
انواع «واو» / انواع «را» / انواع «تا» / انواع «معم»	۲۴
صفت بیانی و انواع آن	۲۷
کاربرد دو حرف اضافه برای یک متقمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان	۲۸
ترکیب وصفی و اضافی	۲۹
حذف و انواع آن	۳۰
وابسته‌های پسین	۳۲
تفاوت مسند باقید	۳۳
زمان فعل	۳۳
ایستگاه سؤال	۳۷

در کتابخانه



بخش پنجم

۳۷۶	پاسخنامه تشریحی کل کتاب
۴۳۱	پاسخ کارگاه‌های متن پژوهی درس ۱ تا ۱۸
۴۶۰	۴ نمونه امتحان نهایی



بخش چهارم

معنی و مفهوم شعرو نثر	۸ نمره
ستایش	۲۱۳
درس اول	۲۱۵
درس دوم	۲۲۰
درس سوم	۲۲۷
درس پنجم	۲۳۳
درس ششم	۲۴۰
درس هفتم	۲۴۵
درس هشتم	۲۵۴
درس نهم	۲۵۹
درس دهم	۲۶۴
درس یازدهم	۲۶۹
درس دوازدهم	۲۷۴
درس چهاردهم	۲۸۴
درس پانزدهم	۲۹۱
درس شانزدهم	۲۹۷
درس هفدهم	۳۰۶
درس هجدهم	۳۰۹
ایستگاه سؤال	۳۱۵
تاریخ ادبیات	۱ نمره
فهرست آثار و پدیدآورندگان	۳۵۹
ایستگاه سؤال	۳۶۱
حفظ شعر	۱ نمره
شعرخوانی ۱ تا ۴	۳۶۸
ایستگاه سؤال	۳۷۲



بخش سوم

معنی واژه	۱ نمره
درس اول	۱۳۱
درس دوم	۱۳۲
درس سوم	۱۳۴
درس پنجم	۱۳۵
درس ششم	۱۳۷
درس هفتم	۱۳۸
درس هشتم	۱۴۰
درس نهم	۱۴۱
درس دهم	۱۴۳
درس یازدهم	۱۴۴
درس دوازدهم	۱۴۵
درس چهاردهم	۱۴۷
درس پانزدهم	۱۴۸
درس شانزدهم	۱۵۰
درس هفدهم	۱۵۲
درس هجدهم	۱۵۳
ایستگاه سؤال	۱۵۴
املاي واژه	۲ نمره
درس ۱ و ۲	۱۷۸
درس ۳ و ۵	۱۸۰
درس ۶ و ۷	۱۸۲
درس ۸ و ۹	۱۸۴
درس ۱۰ و ۱۱	۱۸۷
درس ۱۲ و ۱۴	۱۸۸
درس ۱۵ و ۱۶	۱۸۹
درس ۱۷ و ۱۸	۱۹۲
ایستگاه سؤال	۱۹۴

درس ۱

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی / ربط معنایی / وزن
سوالات: ص ۳۷

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز

مهم‌ترین پیوندهای وابسته‌ساز: که، تا، چون (وقتی که)، اگر، زیرا،

همین‌که، اگرچه، با اینکه، مادام که، آر (اگر)، زان رو، چنان که و ...

مثال ۱ حال خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است.
جمله وابسته جمله هسته

مثال ۲ اگر لطفش قرین حال گردد
جمله وابسته جمله هسته

همه ادب‌ها اقبال گردد
جمله هسته

۱ پیوندهای هم‌پایه‌ساز، جمله مرکب (غیر ساده) نمی‌سازند.

۲ در هر عبارتی، به تعداد پیوندهای وابسته‌ساز، جمله مرکب (غیر ساده) وجود دارد.

۳ گاهی حروف ربط در اشعار و متون ادبی حذف می‌شوند. برای تشخیص یا باید از معنای عبارت به آن‌ها پی ببریم یا به‌طور آزمایشی، حروف «و» یا «که» / «تا» را در جای مناسب قرار دهیم. هر کدام که معنای عبارت را کامل‌تر کند، نوع ارتباط دو جمله نیز مشخص می‌شود.

مثال ۱ بیا [تا] عاشقی را رعایت کنیم.
جمله هسته جمله وابسته

مثال ۲ گفتم [که] از مهرورزان رسم وفا بیاموز
جمله هسته جمله وابسته

گفتا [که] ز خوب‌رویان این کار کمتر آید
جمله هسته جمله وابسته

۴ مواظب باشید که حرف ربط وابسته‌ساز «که» را با ضمیر پرسشی «که» به معنی «چه کسی» اشتباه نگیرید.

مثال دلیران میدان گشوده نظر

که پرکینه اول که پندد کمر؟
حرف ربط وابسته‌ساز / ضمیر پرسشی (چه کسی)

نگو که می‌دونستی!

جمله و انواع آن

جمله یک یا مجموع چند کلمه است که پیام کاملی را از گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده می‌رساند.

به جمله‌هایی که معنی و مفهوم مستقل و کاملی داشته باشند، جمله **مستقل** می‌گوییم. جمله مستقل به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱ **مستقل ساده:** یک فعل دارد.

مثال قطره باران ما گوهر یكدانه شد.
فعل

۲ **مستقل مرکب:** بیش از یک فعل دارد و شامل دو بخش است:

الف) جمله هسته (پایه)

ب) جمله وابسته (پیرو)

مثال ۱ آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد.
جمله هسته حرف ربط جمله وابسته (پیرو)

مثال ۲ گرت ز دست برآید، چون نخل باش کریم.
حرف ربط جمله وابسته (پیرو) جمله هسته (پایه) وابسته‌ساز

حروف ربط (پیوندها): حروفی هستند که دو یا چند جمله را به یکدیگر پیوند می‌دهند و از نظر نوع و کاربرد به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱ پیوندهای هم‌پایه‌ساز

این حروف بین دو جمله مستقل **ساده** می‌آیند که از نظر معنایی هیچ نوع وابستگی میان آن دو وجود ندارد.

مهم‌ترین پیوندهای هم‌پایه‌ساز: و، اما، ولی، یا، لیکن، لکن، هم ...
هم، خواه ... خواه، چه ... چه

مثال ۱ مردی محجوب بود و دیده و دلش از گناه به دور.

مثال ۲ هم حرکاتش متناسب به هم

هم خطواتش متقارب به هم

۲ پیوندهای وابسته‌ساز

این حروف در جمله‌های **غیر ساده** (مرکب) کاربرد دارند و همیشه در ابتدای جمله وابسته (پیرو) به کار می‌روند و موجب وابستگی معنایی بین جمله هسته (پایه) و وابسته (پیرو) می‌شوند.

ایستگاه سؤال

در کدام گزینه، «جمله مرکب» وجود ندارد؟

۱) بلند آن سر، که او خواهد بلندش

نژد آن دل، که او خواهد نژدش

۲) به گوش ارغوان آهسته گفتم:

بهارت خوش که فکر دیگرانی

۳) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

چو جنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

۴) کسی نیک بیند به هردو سرای

که نیکی رساند به خلقی خدای

پاسخ سوال

گزینه «۳»

کاربرد معنایی فعل‌های اسنادی (است، شد، بود و گشت)

یادتان باشد فعل‌های کمکی (معین) را که در ساخت و صرف زمان‌های فعل به کار می‌روند، با فعل‌های اسنادی اشتباه نگیرید!

مثال ۱ گفته بودم چو بیایی، غم دل یا تو بگویم
ماضی بعید

مثال ۲ در نایسته احسان گشاده است
ماضی نقلی

مثال ۳ چشم من بر روی دریای بقا بگشوده شد
ماضی ساده مجهول

حواستان باشد فعل‌هایی مانند «بوده است» یا «گشته (گردیده) است» و «شده است» فعل اسنادی هستند؛ چون در این فعل‌ها، «بود»، «شد» و «گشت» فعل اصلی هستند نه کمکی و جزء دوم آن‌ها یعنی «است» فعل کمکی (معین) محسوب می‌شود.

یاد کنید!

فعل‌های «شد» و «شود»

مثال ۱ از شبنم عشق، خاک آدم گل شد
مسند فعل اسنادی

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
مسند فعل اسنادی

مثال ۲ ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم.
مسند فعل اسنادی

• اگر فعل‌های بالا در معنی «رفتن، گذاشتن و سپری شدن» به کار روند، غیراسنادی اند و مسند نمی‌گیرند.

مثال ۱ دل بردلدار رفت، جان بر جانانه شد.
رفت (فعل غیراسنادی)

مثال ۲ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد

شد و تکیه بر آفریننده کرد
رفت (فعل غیراسنادی)

مثال ۳ گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
فراسید (غیراسنادی)

تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان فعل‌ها را به دو دسته اسنادی و غیراسنادی طبقه‌بندی کرد.

فعل‌های اسنادی به فعل‌هایی گفته می‌شود که به تنهایی معنا ندارند بلکه به کمک آن‌ها صفت یا حالتی را به نهاد نسبت می‌دهیم. مهم‌ترین فعل‌های اسنادی عبارت‌اند از: است، بود، شد، گشت و گردید.

فعل‌های غیراسنادی فعل‌هایی هستند که به تنهایی معنا دارند و خبر از انجام کاری یا روی دادن اتفاقی می‌دهند؛ مانند: «پوشید، آمدند، دویدید، خوابیدم و...»

• فعل‌های «است، بود، شد و گشت» اگر برای نسبت دادن صفت یا حالتی به نهاد به کار روند، فعل اسنادی اند و مسند می‌گیرند؛ اما اگر در معانی دیگری ظاهر شوند، غیراسنادی اند و مسند نمی‌گیرند.

فعل‌های «است» و «بود»

مثال ۱ بیوید کاین مهتر آهرمن است. (چه است؟ آهرمن)
مسند فعل اسنادی

مثال ۲ نیست جانش محرم اسرار عشق. (چطور نیست؟ محرم)
مسند فعل اسنادی

مثال ۳ این کوزه چو من عاشق زاری بوده است. (چطور بوده است؟ عاشق)
مسند فعل اسنادی

مثال ۴ به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد. (چطور باشد؟ روان)
مسند فعل اسنادی

• اگر فعل‌های بالا در معنی «وجود داشتن / وجود نداشتن» یا «حضور داشتن / حضور نداشتن» به کار روند، غیراسنادی اند و مسند نمی‌گیرند.

مثال ۱ مرا در نهانی یکی دشمن است
نهاد وجود دارد (فعل غیراسنادی)

مثال ۲ هر که را در جان، غم جانانه نیست
نهاد وجود ندارد (فعل غیراسنادی)

مثال ۳ گوهری بود در خزانه غیب که آن را از نظر خازنان پنهان داشته بود.
نهاد وجود داشت (فعل غیراسنادی)

مثال ۴ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد.
نهاد وجود دارد (فعل غیراسنادی)

ث) صفت نسبی:

۱. اسم + ی: ایرانی، تهرانی، آسمانی، ملکوتی، ادبی و ...
۲. اسم + ین: دیرین، چرمین، زرین، سیمین، پشمین و ...
۳. اسم + ینه: دیرینه، چرمینه، زرینه، سیمینه، پشمینه و ...
۴. اسم + انه: دوستانه، کودکانه، بچگانه و ...
۵. اسم + انی: روحانی، جسمانی، عقلانی و ...

نگو که می‌دونستی!

«موصوف» نقش دستوری به‌شمار نمی‌آید. موصوف‌ها می‌توانند در نقش‌های دستوری «نهاد، مفعول، متمم، مسند، منادا و قید» به کار روند.

مثال «... عشق با آزار خویشاندی دیرینه دارد»
موصوف صفت
(در نقش مفعول)

درس ۱۲

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان
سوالات: ص ۶۰

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم

- مثال ۲ به سهراب پر، تیرباران گرفت
حرف اضافه متمم حرف اضافه
- مثال ۳ بگیر و به گیسوی او پر، بدوز
به نیک‌اختر و فال‌گیتی فروز
- مثال ۴ نهاده به طاق اندرون تخت زر
نشانده به هرپایه‌ای در گهر

در متون گذشته، گاهی «یک متمم» با «دو حرف اضافه» به کار می‌رفت. این مورد یکی از ویژگی‌های زبانی سبک‌های کهن فارسی به‌ویژه سبک خراسانی بوده است.

مثال ۱ به شهر اندرون هر که بُرنا بدند
حرف اضافه متمم حرف اضافه

چه پیران که در جنگ دانا بدند

انواع «اگر»

حرف ربط هم‌پایه‌ساز

این نوع «اگر» به معنی «یا» به کار می‌رود و دو جمله را هم‌پایه و برابر می‌سازد.

- مثال ۱ تو شاهی و گر اژدهایگری؟
حرف ربط هم‌پایه‌ساز به معنی «یا»
- باید زدن داستان، آوری
- مثال ۲ چه باید مرا جنگ زابلستان؟
و گر جنگ ایران و کابلستان؟
حرف ربط هم‌پایه‌ساز به معنی «یا»

حرف ربط وابسته‌ساز

این نوع «اگر» همراه با جمله‌های وابسته به کار می‌رود.

- مثال ۱ اگر هفت کشور به شاهی تو راست
حرف ربط وابسته‌ساز جمله وابسته
- چرا رنج و سختی همه بهر ماست
جمله هسته
- مثال ۲ خرد را گر نبخشد روشنایی
حرف ربط وابسته‌ساز جمله هسته
- بماند تا ابد در تیره‌رایی
جمله هسته

وضعیت واژه در گذر زمان

- واژگان حذف شود:
- مثال «فترک، برگستوان، سوفار، هزاره، دستار، گشن، گرز، شرزه، هیون و ...»

واژه‌ها و معنای آن‌ها همیشگی و ماندگار نیستند. ممکن است در گذر زمان، برای هر واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:

- ۱ به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست

۲. با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شود؛

مثال ۱ کثیف

معنای قدیم: انبوه، متراکم، غلیظ
معنای جدید: چرک‌آلود، ناپاک

مثال ۲ دبیر

معنای قدیم: نویسنده
معنای جدید: معلم دبیرستان (متوسطه)

مثال ۳ سوگند

معنای قدیم: گوگرد
معنای جدید: قسم

مثال ۴ شوخ

معنای قدیم: چرک و آلودگی
معنای جدید: طناز و بذله‌گو

مثال ۵ دستور

معنای قدیم: وزیر، اجازه
معنای جدید: امر و فرمان، قواعد زبان فارسی

مثال ۶ تماشا

معنای قدیم: تفریح، گردش کردن
معنای جدید: نظر کردن به چیزی

مثال ۷ رعنا

معنای قدیم: زن احمق و خودآرا
معنای جدید: خوش اندام، زیبا

مثال ۸ مهمات

معنای قدیم: کارهای مهم و خطرناک
معنای جدید: گلوله و سلاح جنگی

مثال ۳

۳. با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دهد؛

مثال

«شادی، خنده، گریه، دست، پا و...»

مثال ۴

۴. هم معنای قدیم خود را حفظ کند و هم معنای جدید گیرد؛

مثال ۱ سپر

۱. وسیله‌ای برای دفاع در جنگ
۲. ضربه‌گیر جلو و عقب خودرو

مثال ۲ یخچال

۱. توده‌های عظیم یخ طبیعی
۲. وسیله‌ای جهت سرد نگاهداشتن اغذیه

مثال ۳ زین

۱. آنچه از جرم و جوب سازند و بر پشت اسب نهند.
۲. آنچه از جرم و پلاستیک سازند و بر روی دوچرخه و موتور نهند.

مثال ۴ رکاب

۱. حلقه‌مانندی از فلز که در دو طرف زین اسب آویزان است.
۲. قسمتی از وسایل سواری که به هنگام سوار و پیاده شدن پا بر آن گذارند.

ترکیب وصلی و اضافی

سوالات: ص ۶۳

درس ۱۴

۲

ترکیب اضافی

۱. اسم + ی + اسم: آتش عشق / دیده عقل / شب کویر
۲. اسم + ی + ضمیر / اسم + ضمیر: آتش خود / مشت تو / خشم آن / قلبم
۳. اسم + ی + صفت: قلم نویسنده / لباس دانشجو

روش‌های تشخیص ترکیب وصفی و اضافی

۱. بین «موصوف و صفت» می‌توان «ی» نکره آورد، اما بین «مضاف و مضاف‌الیه» نمی‌توان!

مثال ۱ قلب فسرده ← قلبی فسرده (ترکیب وصفی)

مثال ۲ قلب زمین ← قلبی زمین (ترکیب اضافی)

۲. در ترکیب وصفی، اگر کسرۀ بین «موصوف و صفت» را بردارید و به آن فعل «است» اضافه کنید، جمله «سه جزئی با مسند» ساخته می‌شود.

ترکیب وصفی

۱. صفت پیشین + اسم: هرگاه یکی از صفت‌های پیشین با اسم همراه شوند، ترکیب وصفی می‌سازند.

مثال این مردم / هرشب / هزاران خاطره / نخستین بار / کدام عشق؟ /
ص. اشاره ص. مبهم ص. شمارشی اصلی ص. شمارشی ص. پرسشی
ترتیبی (۱)

کهن‌ترین افسانه‌ها / عجب شعری!

ص. عالی ص. تعجبی

۲. اسم + ی + صفت پسین: هرگاه یکی از صفت‌های پسین با اسم همراه شوند، ترکیب وصفی می‌سازند.

مثال رخس رخشنده / بال شکسته / مردم دیوماند / نی لبک چوبین /
ص. فاعلی ص. مفعولی ص. بیانی ساده ص. نسبی

هنر هفتم / سفر روحانی / راه دیگر
ص. شمارشی ص. نسبی ص. مبهم
ترتیبی (۲)

ایستگاه سؤال

پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز / کاربرد
معنایی فعل‌های اسنادی / روابط معنایی واژگان

درس ۱

در بیت‌ها و عبارت‌های زیر، پیوندهای «هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.

آن آستین خالی‌اش که با باد این سوی و آن سوی می‌شود، نشانهٔ مردانگی است و اینکه او به عهدی که با ابوالفضل (ع) بسته، وفادار است.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم قبی

وقتی کسی هدفی غیر از آنچه همه دارند، دنبال کند، می‌گویند یا خداست یا شیطان.

بر مصطفی بهر رخصت دویید	ازو خواست دسستوری اما ندید
هم حرکاتش متناسب به هم	هم خطواتش متقارب به هم

در بیت‌ها و عبارت‌های زیر، پیوندهای «وابسته‌ساز» را مشخص کنید.

اگر لطفش قرین حال گردد	همه ادب‌ها اقبال گردد
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر	چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
مجنون چو حدیث عشق بشنید	اول بگریست، پس بخندید

او اختران را در آسمان نهاده / تا به بز و بحر نشانمان باشند ...

هنگامی که در فروتنی، بزرگ باشیم، / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.

درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را مشخص کنید.

در بیت «نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست / چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست»، از شیوهٔ قرار گرفتن واژه در جمله، می‌توان به معنای واژهٔ «چنگ» پی برد.

خرداد ۱۴۰۳

درست نادرست

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

با توجه به ابیات زیر، درستی یا نادرستی گزینه‌های داده شده را مشخص کنید.

«چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش	ز دیوار محرابش آمد به گوش؛
برو شیر دژنده باش، ای دغل	مینداز خود را چو روباه شل»

درست نادرست

درست نادرست

الف) «چو» در بیت اول «حرف اضافه» و در بیت دوم «حرف ربط» است.

ب) در بیت دوم، نقش دستوری «دژنده» با نقش دستوری «شل» یکسان است.

۳۹

در کدام بیت، رابطه معنایی داخل کمانک بین واژه‌های بیت دیده نمی‌شود؟

- (۱) بخور تا توانی به یازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش (تضمن)
(۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (تضاد)

۳۰

در کدام گزینه، پیوند «هم‌پایه‌ساز» و «وابسته‌ساز» هر دو مشهود است؟

- (۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
(۲) دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

←

۳۱

در عبارت «به شامگاه چنان بنگر که گویی روز بایستی در آن فرو میرد.» جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

۳۲

با توجه به ابیات زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

- «زنی بود برسان گردی سوار همیشه به جنگ اندرون نامدار
کجا نام او بود گردآفرید زمانه ز مادر چنین ناورید»

الف) نقش واژه مشخص شده با کدام واژه در مصراع دوم بیت اول یکسان است؟

ب) در بیت دوم، کلمه حرف پیوند وابسته‌ساز است.

۳۳

در عبارت زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

شهریور ۱۴۰۲ - دهم

«چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.»

۳۴

با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

«بزن زخم این مرهم عاشق است که بی‌زخم مردن غم عاشق است»

الف) در مصراع اول، مسند را پیدا کنید.

ب) در مصراع دوم، نوع حرف ربط (هم‌پایه ساز، وابسته‌ساز) را مشخص کنید.

۳۵

در سروده «برایم قابل درک است اگر چشم‌ت به راهم نیست / برای اهل دریا شوق بارانی نمی‌ماند»:

خرداد ۱۴۰۲ - دهم خارج

الف) جمله مرکب در کدام مصراع دیده می‌شود؟

ب) جمله هسته را مشخص کنید.

۳۶

کارکرد معنایی فعل «شد» را در ابیات زیر بررسی کنید.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

الف) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

ب) ز بس گرد از آن رزمگه بردمید

معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

۳۷

الف) گریه شام و سحر، سُکر که ضایع نگشت

ب) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

۳۸

در عبارت «سیر را غم گرسنه نیست» از چه رابطه‌ای برای بیان معنا استفاده شده است؟

خرداد ۹۰

۳۹

در قسمت اول شعر زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴

«او اختران را در آسمان نهاده / تا به پَر و بحر نشانمان باشند.»

۴۰

در واژه‌های زیر از چه رابطه معنایی استفاده شده است؟

دی ۹۲

الف) فراز و نشیب

ب) آرام و آهسته

۴۱

در عبارت زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید.

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

«بگذار تا بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان.»

۴۲

تفاوت معنایی فعل «شد» را در گزینه‌های زیر بررسی کنید.

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

الف) روز سیوم به مجلس وزیر شدیم.

ب) آن مرد خجل شد و عذرخواست.

۴۳

در موارد زیر، با استفاده از چه شیوه‌هایی می‌توان به معنای دقیق هر یک از واژه‌های مشخص شده، پی برد؟

الف) در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیر برآمد، شغالی به چنگ

ب) شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

گزینه درست را انتخاب کنید.



۳۶۵

با توجه به انواع «صفت بیانی»، کدام واژه در هر گروه با بقیه متفاوت است؟

- | | | | |
|----------------|------------|---------------|-------------|
| الف) ۱) سحرزاد | ۲) زخم‌دار | ۳) جهان‌آفرین | ۴) نیلی‌پوش |
| ب) ۱) ایرانی | ۲) کبریایی | ۳) نورانی | ۴) شکاری |

۳۶۶

نوع «صفت بیانی» در کدام مصراع متفاوت است؟

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| ۱) برو شیر دژنده باش، ای دغل | ۲) برافراخت پس دست خیبرگشا |
| ۳) همی‌رفت پیش اندرون مرد‌گرد | ۴) که ای نامداران یزدان‌پرست |

۳۶۷

در کدام گزینه، «صفت نسبی» مشهود است؟

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) به عصیان سَراپای آلوده‌ام | سَراپا ز آلودگی پاک کن |
| ۲) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد | عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد |

۳۶۸

در عبارت زیر، کدام واژه «صفت پسین» به شمار نمی‌آید؟

«هر کسی مشغول کاری بود؛ از کارهای گروهی گرفته تا فردی، بعضی بچه‌های خوش‌ذوق، عروسک‌هایی درست کرده بودند که با آنها خیمه‌شب‌بازی راه می‌انداختند.»

- | | | | |
|---------|----------|------------|---------|
| ۱) بعضی | ۲) گروهی | ۳) خوش‌ذوق | ۴) فردی |
|---------|----------|------------|---------|



درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را تعیین کنید.

- | | | |
|---|------|--------|
| واژه «جنگ‌جو» در مصراع «به پیشش برآمد شه جنگ‌جو» صفت فاعلی است. | درست | نادرست |
| واژه «پرایینه» در مصراع «آن‌که در دستش کلید شهر پرایینه دارد» صفت نسبی است. | درست | نادرست |
| واژه «عاشق» در مصراع «... ز یاران عاشق حکایت کنیم» صفت فاعلی است. | درست | نادرست |



در هر یک از بیت‌های زیر، نوع «صفت بیانی» را از کمانک روبه‌روی آن بنویسید.

۳۷۲

در نابستهٔ احسان گشاده‌ست

۳۷۳

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری

۳۷۴

به نام خدای جهان‌آفرین

۳۷۵

آنجا که هر سو صد شهید خفته دارد

۳۷۶

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

۳۷۷

نیست جانش محرم اسرار عشق

۳۷۸

گر من نظری به سنگ بر، بگمارم

۳۷۹

در این بود درویش شوریده‌رنگ

۳۸۰

دانست کسه دل، اسیر دارد

- | | |
|---------------------------------------|------------------|
| به هر کس آنچه می‌بایست، داده‌ست | (مطلق / مفعولی) |
| آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد | (مفعولی / نسبی) |
| بینداخت شمشیر را شاه دین | (فاعلی / مطلق) |
| آنجا که هر کویش غمی بنهفته دارد | (مطلق / مفعولی) |
| بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی | (نسبی / لیاقت) |
| هر که را در جان، غم جانانه نیست | (فاعلی / نسبی) |
| از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم | (مفعولی / فاعلی) |
| که شیری برآمد، شغالی به چنگ | (مطلق / مفعولی) |
| دردی ننه دواپذیر دارد | (مطلق / فاعلی) |

کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم / انواع «اگر» / وضعیت واژه در گذر زمان

درس ۱۲

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.



۳۸۱

در بیت زیر، کدام ویژگی دستوری زبان کهن به کار رفته است؟

«به شهر اندرون هر که بُرنا بدند چه پیران که در جنگ دانا بدند»

۳۸۲

برای هر کدام از واژگان مشخص شده، در گذر زمان کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

الف) از آن چرم کاهنگران پشت پای بیوششند هنگام زخم‌درای

۳۸۳

ب) آن مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم درنهاد.

برای هر کدام از واژگان مشخص شده در گذر زمان کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

الف) بیامد به درگاه سالار نو بدیدندش آن‌جا و برخاست غو

ب) و مثال داد تا هزار هزار درم به غزنین به مستحقان دهند.

۳۸۴

در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که هم معنای قدیم خود را حفظ کرده و هم معنای جدید گرفته باشد.
«سپر بر سر آورد شیر اله علم کرد شمشیر آن اژدها»

۳۸۵

در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است.
«یکی محضر اکنون ببايد نوشت که جز تخم نیکی، سپهد نکشت»

۳۸۶

در هر یک از عبارت‌های زیر، واژه‌ای بیابید که به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شده باشد.
(الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و غریو خاست.
(ب) فریدون دست به گرز گاوسر برد و «بزد بر سرش، ترگ بشکست خُرد».



در هر یک از موارد زیر، واژه‌های مشخص شده در گذر زمان مشمول کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه شده‌اند؟

۳۸۷

بر مصطفی بهر رخصت دوید
ازو خواست دسـتوری آما ندید
بیوید کاین مهتر آهرمن است
جهان‌آفرین را به دل دشمن است
خروشید کای پایمردان دیو
بریده دل از ترس گیهان خدیو
از آن چرم کاهنگران پشت پای
پوششند هنگام زخمِ درای
بدو گفت مهتر به روی دژم
که برگوی تا از که دیدی ستم؟

۳۸۸

۳۸۹

۳۹۰

۳۹۱

۳۹۲

۳۹۳

۳۹۴

۳۹۵

۳۹۶

۳۹۷

۳۹۸

۳۹۹

۴۰۰

۴۰۱

۴۰۲

۴۰۳

۴۰۴

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷



گزینه درست را انتخاب کنید.

۴۰۸

وضعیت کدام واژه مشخص شده در گذر زمان، همانند کلمه «محضر» در مصراع «بدرید و بسپرد محضر به پای» است؟

خرداد ۱۴۰۳

(۱) پای راست افکار شد.

(۲) اختلاف صیادان آنجا متواتر.

(۳) پا در رکاب راهوار خویش دارند.

از میان گزینه‌های زیر کدام گزینه با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شده است؟

۴۰۹

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

(۴) یخچال

(۳) رکاب

(۲) شوخ

(۱) سوفار

وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان یکسان است؟

۴۱۰

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

(۴) خنده و سپر

(۳) فتراک و رکاب

(۲) سوفار و کثیف

(۱) شوخ و سوگند

آرایه‌های ادبی

قلمرو ادبی

تمام دروس کتاب
به‌جز درس‌های آزاد

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳

بخش دوم

۳ نمره

تشبیه

سؤالات: ص ۱۰۴

درس ۱

۳ واژه‌های: «گفتی، گویی، گویا، گوییا، پنداری، انگار» (وقتی که در معنای «شباهت» به کار می‌روند).

۴ فعل‌های: «ماند، مانستی، می‌ماند» (از مصدر «مانستن» به معنی «شبیه بودن»)

به ادعای همانندی میان دو یا چند چیز به سبب ویژگی مشترک تشبیه گفته می‌شود.

مثال ۱ «صدا چون بوی گل در جنبش آب

به آرامی به هر سو پخش می‌گشت»

● شاعر در این بیت، در یک تصویر خیالی، «صدا» را به «بوی گل» همانند کرده و با بیان ویژگی مشترک آن‌ها یعنی «به آرامی پخش شدن به هر سو»، این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر جلوه داده است.

مثال ۲ «رها شد ز بند زره موی اوی

درفشان چو خورشید شد، روی اوی»

● فردوسی در این بیت، با همانند کردن «روی» گردآفرید به «خورشید»، به توصیف خیالی و اغراق‌آمیز «درفشانی» و زیبایی چهره او پرداخته است.

مثال ۳ «صبح بود و پرتو آفتاب مانند طلاروی امواج دریا می‌درخشید.

● نویسنده در این عبارت، «پرتو آفتاب» را در «درخشندگی» به «طلار» تشبیه کرده است.

ارکان تشبیه

۱ مشبّه: چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. مانند

«پرتو آفتاب» در مثال ۳

۲ مشبّه‌به: چیزی یا کسی که مشبّه را به آن، مانند می‌کنیم. مانند

«طلار» در مثال ۳

● مشبّه‌به معمولاً بعد از ادات تشبیه می‌آید.

۳ وجه شبه: ویژگی یا صفت مشترک میان «مشبّه» و «مشبّه‌به»

است. مانند «درخشیدن» در مثال ۳

● وجه شبه غالباً در «مشبّه‌به» پررنگ‌تر و آشکارتر است.

۴ ادات تشبیه: واژه‌ای که نشان‌دهنده پیوند شباهت میان «مشبّه»

و «مشبّه‌به» است. مثل «مانند» در مثال ۳

انواع ادات تشبیه

۱ واژه‌های: «چون، همچون، چو، همچو، چونان، مثل، مانند،

همانند، نظیر، عین، صورت، به سان، به کردار، به گونه، بر سان، به شکل، به منزله، به شیوه، به شکل، در حکم»

۲ پسوندهای شباهت از قبیل: «وار (بختک‌وار)، آسا (عقاب‌آسا)، سا

(مهسا)، دیس (گلدیس)، وش (مهوش)، گون (سیماب‌گون)، گونه

(علی‌گونه)، فام (فیروزه فام)»

۱ «چون» و «چو» در صورتی «ادات تشبیه» محسوب

می‌شوند که به عنوان «حرف اضافه» و در معنای «مثل و مانند»

به کار روند؛ در غیر این صورت «ادات تشبیه» نخواهند بود.

به بیان دیگر اگر در معنای «وقتی که، زمانی که، اگر،

زیرا که» به کار روند، حرف ربط وابسته ساز و اگر در معنای

«چگونه، چطور، چرا» باشند، قید پرسش یا کیفیت هستند؛

مثال ۱ «آمد سوی کعبه، سینه پر جوش

چون کعبه نهاد حلقه در گش»

مثل و مانند (ادات تشبیه)

مثال ۲ «زور داری، چون نداری علم کار

لا ف آن نتوان به آسانی زدن»

مثال ۳ «که چون زندگانی به سر می‌برد؟

چگونه (قید پرسش)

بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟»

مثال ۴ «چون موسم حج رسید، برخاست

وقتی که (حرف ربط)

آشتر طلبید و محمل آراست»

۲ به «مشبّه» و «مشبّه‌به»، طرفین تشبیه می‌گویند. در

یک تشبیه، حضور طرفین تشبیه الزامی است؛ اما گاهی

«مشبّه» به قرینه لفظی حذف می‌شود که در این صورت،

شناسه فعل «مشبّه» است؛

مثال «پیشانی حال چون زلف بتانم

مشبّه (= من)

چو چشم منبت خوبان ناتوانم

مشبّه (= من)

۳ در فعل‌هایی که شناسه حضور ندارد (تهی است)،

شناسه پنهان یا ضمیری را که به آن فعل برمی‌گردد، «مشبّه

محذوف» در نظر می‌گیریم؛ مانند برخی از فعل‌های سوم

شخص مفرد ماضی و فعل‌های امرو نهی (صیغه مفرد و جمع).

مثال «آمد سوی کعبه، سینه پر جوش

چون کعبه نهاد حلقه در گش»

مشبّه (= او / پدر من)

نگو که می‌دونستی!

حسن تعلیل

سؤالات: ص ۱۱۹

درس ۱۰

● در این بیت، شاعر علت ایجاد سایه خورشید بر زمین را پایین آمدن خورشید برای بوشه زدن به گرد راه معشوق می‌داند.

۱ «از ز» به معنی «به دلیل، چون»:

مثال «چو سرو از راستی برزد علم را

ندید اندر جهان تاراج غم را»

● در این بیت، شاعر دلیل سرسبزی همیشگی سرو را «راستی و درستکاری» او می‌داند.

۵ «زیرا، زیرا که»:

مثال «نرگس همی رکوع کند در میان باغ

زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی»

● در این بیت، شاعر دلیل خمیده شدن (رکوع) گل نرگس در باغ را «اذان گفتن فاخته (کوکو) بر روی شاخه‌های درخت سرو» دانسته است.

۶ «چون، چو» به معنی «به این دلیل که»:

مثال «چو صبح صادق آمد راست گفتار

جهان در زرگرفتی محتشم‌وار»

● در این بیت، شاعر علت طلوع خورشید پس از صبح صادق را «راست گفتاری صبح صادق» می‌داند.

۲

حسن تعلیل «بی‌نشانه»

گاهی دلیل ادبی در بیت‌ها و عبارت‌ها، بدون نشانه می‌آید. در این صورت یا باید از طریق «معنی و مفهوم بیت یا عبارت» به این دلیل ادبی (شاعرانه) پی برد، یا با افزودن واژه «چرا» به ابتدای مصراع اول و «زیرا» به ابتدای مصراع دوم به «حسن تعلیل» دست یافت. (البته در صورت غیرواقعی و بی‌ربط بودن سؤال و جواب)

مثال ۱ «چرا» «باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر»

[زیرا] پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد

● شاعر دلیل چکیدن باران از ابر را «شرم از چهره زیبای محبوب» می‌داند.

مثال ۲ [زیرا] «بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید

[چرا] گیرد اول در اذان گفتن، مؤذن گوش را»

● [چرا] مؤذن هنگام اذان گفتن گوش خود را می‌گیرد؟ [زیرا] کسی در دهر (روزگار) حرف حق را نمی‌تواند بشنود.

نکته ۱ پس از افزودن «چرا» و «زیرا» در صورت ضرورت، جمله‌ها را ویرایش کنید.

حسن تعلیل در لغت به معنای دلیل و برهان نیکو آوردن است و در اصطلاح ادبی، آوردن دلیلی هنری و شاعرانه اما غیرواقعی (بی‌ربط) برای موضوعی خیالی یا واقعی است، به گونه‌ای که بتواند ذهن مخاطب را اقناع کند و خیال انگیز باشد.

مثال ۱ «تویی بهانه آن ابرها که می‌گریند

بی‌باکه صاف شود این هوای بارانی»

● در این بیت، شاعر دلیل بارش باران را «بهانه‌گیری و گریستن ابرها در فراق امام‌زمان (عج)» می‌داند؛ در حالی که بارش ابرها، دلیل علمی و منطقی دارد.

مثال ۲ «بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد

حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی»

● در این بیت، شاعر برای آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علتی شاعرانه اما غیرواقعی آورده است و آن، سرافکنندگی درخت بید به سبب بی‌ثمری است.

ساختار حسن تعلیل

حسن تعلیل معمولاً به دو شکل در بیت یا عبارت ظاهر می‌شود.

۱

حسن تعلیل «با نشانه»

گاهی شاعر دلیل ادبی و شاعرانه خود را با «حروف ربط یا حروف اضافه» همراه می‌کند. از جمله:

۱ «که» به معنی «زیرا که»:

مثال «عجب نیست از خاک اگر گل شکفت

که چندین گل اندام در خاک خفت»

● در این بیت، شاعر دلیل رویش گل‌های زیبا و رنگارنگ را «وجود بیکر زیبارویانی» می‌داند که در دل خاک خفته‌اند.

۲ «از آن، زان» به معنی «به خاطر آنکه، به آن دلیل که»:

مثال «گل از شوق تو خندان در بهار است

از آنش رنگ‌های بی‌شمار است»

● در این بیت، شاعر دلیل رنگ‌های بی‌شمار و متنوع گل را «اشتیاق گل به معشوق در بهار» می‌داند.

۳ «تا» به معنی «برای اینکه، چون که»:

مثال «افتاده جئی سایه خورشید بر خاک

تا دزه‌ای از گرد راهت را بیوسد»

ایستگاه سؤال

درس ۱ تشبیه

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.



۵۲۸

در بیت زیر، «مشبه» کدام واژه است؟

«چو لشکر گرد بر گردش گرفتند

۵۲۹

در بیت زیر، «مشبه به» کدام واژه است؟

«چو آتش در سپاه دشمن افتاد

۵۳۰

در عبارت زیر، «مشبه به» را مشخص کنید.

«چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟»

۵۳۱

در جمله «دشمن با بار خفتی بر دوش، وامانده رفتن و ماندن شده بود»، «مشبه به» کدام کلمه است؟

۵۳۲

در بیت زیر، «طرفین تشبیه» (مشبه و مشبه به) را به ترتیب مشخص کنید.

«فرزند عزیز را به صد جهد

۵۳۳

آرایه مشترک، در مصراع اول ابیات زیر را بنویسید.

الف) از شبنم عشق خاک آدم گل شد

۵۳۴

ب) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند

در تشبیه به کار رفته در عبارت زیر، «مشبه» و «مشبه به» را مشخص کنید.

«چون ابلیس، گرد قالب آدم برآمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست، اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت.»

۵۳۵

آرایه گروه اسمی مشخص شده را در بیت زیر بنویسید.

«به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند

۵۳۶

ترکیب «جوشن عشق» در بیت زیر، نمایانگر کاربرد کدام آرایه ادبی است؟

«چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید

۵۳۷

در بیت زیر، چند «تشبیه» به کار رفته است؟

«چنین قفس نه سزای چومن خوش‌الحانی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم»

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۳ - یازدهم منی

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

در کدام گزینه، شاعر از «تضاد» بیشتری بهره برده است؟

۷۳۹

- (۱) چنان بُد که ضحاک را روز و شب
- (۲) به شهر اندرون هر که بُرنا بُدند
- (۳) نهان گشت کردار فرزنانگان
- (۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند

کدام بیت، به آرایه‌های «متناقض‌نما و تشبیه» زینت یافته است؟

۷۴۰

- (۱) طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
- (۲) دوباره پلک دلم می‌برد، نشانه چیست؟
- (۳) کسی که نقطه آغاز هر چه پرواز است
- (۴) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

درس ۱۰ حسن تعلیل

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

←

در بیت «ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگیات فرات در جوش و خروش» کاربرد علت شاعرانه در بیت، موجب ایجاد چه آرایه ادبی شده است؟

۷۴۱

خرداد ۱۴۰۳ - دهم

در بیت زیر، کدام دلیل شاعرانه باعث «حسن تعلیل» شده است؟

۷۴۲

«بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد
یا توجه به سروده؛

۷۴۳

«دویدند از کین دل سوی هم
فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ

الف) در بیت اول، یک «اضافه استعاری» بیابید.

ب) در بیت دوم، علاوه بر آرایه‌های «اغراق، واج‌آرایی و جناس» آرایه‌های و نیز دیده می‌شود.
یا توجه به سروده؛

۷۴۴

«او اختران را در آسمان نهاده / تا به بز و بحر نشانمان باشند / تا نگه به فرازها دوزیم / تا از این ره، لذت اندوزیم»
الف) در مصراع دوم، یک «مجاز» بیابید و مفهوم مجازی آن را بنویسید.

ب) مفهوم کنایی مصراع سوم را بنویسید.

پ) در دو مصراع اول، شاعر برای آفرینش کدام آرایه ادبی دلیلی شاعرانه آورده است؟

در هر یک از موارد زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

←

(حسن آمیزی / کنایه)

صدای رئیس گروه، خشک و جدی بود.

۷۴۵

(کنایه / حسن تعلیل)

باران همه بر جای عرق می‌چکد از ابر

۷۴۶

(مجاز / تشبیه)

شیر حقم، نیستم شیر هوا

۷۴۷

(تشخیص / حسن تعلیل)

منم پور ایران و نام‌آورم

۷۴۸

گزینه درست را انتخاب کنید.

←

در ابیات زیر، به ترتیب کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟

۷۴۹

الف) بی‌تومی‌گویند تعطیل است کار عشقبازی

ب) دلم را در غمت کردم ز هر ویرانه ویران‌تر

پ) حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود / من به آنان گفتم / آفتابی لب درگاه شماست

(۱) حسن تعلیل - تشخیص - حسن آمیزی (۲) مجاز - حسن تعلیل - حسن آمیزی

معنی واژه قلمرو زبانی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



بارم در آزمون نهایی ۱ نمره
تنوع تیپ سؤال ۵ گونه

منابع مطالعه
واژه‌نامه کتاب درسی + فهرست
سایر واژگان

نوع حفظی
محتوا معنی واژگان دشوار کتاب
درسی

واژگان آورده شده است. با خواندن و حفظ کردن آن‌ها، بهتر می‌توانید معنای واژه را به خاطر بسپارید.

۴ بارم معنی واژه در امتحان نهایی یک نمره است و شما با حفظ کردن فهرست واژگان و سپس حل پرسش‌های درس به درس کتاب حاضر می‌توانید به راحتی این یک نمره را کسب کنید.

«واژه‌نامه کتاب درسی» با رنگ قرمز آورده شده است، با تکرار چندباره به حافظه بسپارید، سپس سایر واژگانی را که در واژه‌نامه نیامده‌اند و با رنگ آبی مشخص شده‌اند حفظ کنید؛ زیرا ممکن است مورد سؤال قرار بگیرند.

۳ به منظور تثبیت معنی واژگانی که مشابه آوایی یا نوشتاری دارند، توضیحاتی با رنگ طوسی کنار برخی

۱ معنی واژه پیش‌نیاز معنی و مفهوم شعر و نثر و درک مطلب است. تا معنی واژگان دشوار بیت یا عبارت را ندانید، مسلماً نمی‌توانید ابیات و عبارات را به نثر روان بازگردانید.

۲ معنی واژه مربوط به حیطه دانش و از مقوله حفظیات است؛ بنابراین سعی کنید ابتدا واژگان دشوار هر درس را که در این کتاب با عنوان

راهنمای
مطالعه



لطف خدا / نیکی / همت

سوالات: ص ۱۵۴

درس ۱

واژه‌نامه کتاب درسی

ادبار بدبختی، سیه‌روزی؛
متضاد اقبال

اقبال خوشبختی، سعادت

توفیق آن است که خداوند،
اسباب را موافق
خواهش بنده، مهیا
کند تا خواهش او به
نتیجه برسد؛ سازگار
گردانیدن

تیره‌رایی بداندیشی، گمراهی

جیب گریبان، یقه

چاشنی‌بخش آنچه برای اثربخشی
بیشتر کلام به آن
اضافه می‌شود.

جنگ نوعی ساز که سر آن
خمیده است و تارها دارد.

حلاوت شیرینی

حمیت غیرت، جوانمردی،
مردانگی

دَغَل ناراست، حيله‌گر

دون‌همت کوتاه‌همت، دارای طبع
پست و کوتاه‌اندیشه

رَنَخدان چانه

شُغال جانور پستانداری
است از تیرهٔ سگان
که جزو رستهٔ
گوشتخواران است.

شَل دست و پای از کار
افتاده

شوریده‌رنگ آشفته‌حال

غیب پنهان، نهان از چشم؛
عالمی که خداوند،
فرشتگان و ... در آن
قرار دارند.

فروماندن متعجّر شدن

قُوت رزق روزانه، خوراک،
غذا؛ این واژه با «قُوّت»
«توانایی و نیرو» هم‌آوا
نیست.

نژند خوار و زیون

سایر واژگان

احسان بخشش

ارغوان درختی با برگ‌های گرد
و گل‌های سرخ

بارگه مخفف بارگاه، خیمهٔ
پادشاهی، سرایرده

بخشایش عفو، درگذشتن

برکت فراوانی، افزونی، وقور

پیلان جمع پیل، فیل‌ها

تافتن تابیدن

تدبیر اندیشیدن، چاره‌جویی

تیمار پرستاری، غمخواری؛
تیمار خوردن؛ اندوه
و غم خوردن، خود را
در رنج و غم انداختن
از بهر کسی

جانانه معشوق، محبوب

درویش فقیر، بی‌نوا،
گوشه‌نشین

رای اندیشه، فکر، عقیده

رزق روزی

صنع ساختن، آفرینش

ضایع تباه

عار تنگ، عیب، رسوایی

فخر افتخار، نازیدن

قرین نزدیک، یار، همدم

گران سنگین

محراب عبادتگاه، بالای خانه،
صدر مجلس

مور مورچه

نام و ننگ آبرو، اعتبار

همت اراده، خواست

یقین ایمان قلبی، باور،
بی‌شک

۱۲

درس

کاوه دادخواه / کاردانی

سؤالات: ص ۱۶۸

سایرواژگان

آهرمن	اهریمن، مقابل یزدان، ابلیس
آویختن	آویزان کردن
ابلیس	شیطان
ارجمند	با ارزش، معتبر
انجمن شدن	جمع شدن، گرد آمدن
اندرون	در، درون
اوستا	کتاب مقدس زردشت
باب	بخش، فصل
بخرد	اندیشمند، خردمند
بدر	ماه کامل
بر	بالای
براندیشیدن	ترسیدن، بیم داشتن
برگستوان	زره مخصوصی که هنگام جنگ می پوشیدند یا روی اسب می انداختند.
ترمایه	نام گاوای که به فریدون شیر داد.
برنا	جوان
بُن	انتها، ته
بهر	برای
بهریزی	خوشبختی، سعادت
بیداد	ظلم و ستم
بیداد پیشه	ظالم و ستمگر
بیم	ترس

سپردن پای مال کردن و زیر پا گذاشتن

سپهبد فرمانده و سردار سپاه

سروش فرشته پیام آور، فرشته

شمار گرفتن حساب پس دادن

غو فریاد، بانگ و خروش، غریو

فایق دارای برتری، مسلط، چیره

فریاد خواندن فریاد خواستن، طلب یاری کردن، دادخواهی کردن

گُرز گاوسر گریزی که سر آن شبیه سر گاو بوده است.

گیهان خدیو خدای جهان (گیهان: گیهان، جهان، گیتی)

لاف سخنان بی پایه و اساس.

دعوی باطل، ادّعا: لاف

زدن: خودستایی کردن،

ادّعای باطل کردن

مجَرّد صرف، تنها

محضر استشهدادنامه، متنی

که ضحاک برای تبرئه

خویش به امضای بزرگان

حکومت رسانده بود.

موید روحانی زردشتی، مجازاً دانشمند، دانا

نفیر صدای بلند، فریاد

هنر فضیلت، استعداد،

شایستگی، لیاقت

یکایک ناگهان

واژه نامه کتاب درسی

آوری بی گمان، بی تردید، به طور قطع

اژدها پیکر در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها

اساطیر جمع اسطوره: افسانه ها و داستان های خدایان و پهلوانان ملل قدیم

الحاج اصرار، پافشاری کردن

بازارگاه جای خرید و فروش، بازار؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است.

پایمردان دیو دستیاران حکومت، توجیه کنندگان حکومت پیداد

پشت پای روی پا، سینه پا

ترگ کلاه خود

تفّج گشت وگذار، تماشا، سیر و گردش

خجسته فرخنده، مبارک

خوالیگر آشیز

درفش پرچم، بیرق

درفش کاویان درفش ملی ایران در عهد ساسانی، (کاویان یا کاویانی: منسوب به کاوه)

دژم خشمگین

زخم درای ضربه پتک: درای، در اصل زنگ کاروان است.

سَبّک سریع، شتابان

پاک‌دین	کسی که دین و آیین راست و درست دارد.	رکاب	حلقه‌ای که به دو طرف زمین اسب آویزند	کثیف	چرک‌آلود و ناپاک، غلیظ و فشرده
پیویدن	به شتاب رفتن، دویدن	رویاریویی	مقابله	کپتر	کوچک‌تر، زیردست
پیوند	خویشاوندی	زال	پیر، سپیدموی	گرد	پهلوان، دلیر، شجاع
تجسم	تصویر ذهنی	زیبونی	خواری، ذلت، ناتوانی	گردون	آسمان
تسکین	آرام کردن	سالار	فرمانده، سردار	گزند	آسیب، آزار
تعیر	بیان کردن معنی خواب	سرنگون	واژگون، وارونه	گوا	گواه، شاهد
جفا	ستمگری	سوفار	دهانه تیر که چله کمان را در آن بند کنند.	گیتی	جهان، دنیا
جنبش	قیام، خیزش	سوگند	گوگرد؛ در گذشته برای تشخیص گناهکاری یا بی‌گناهی متهم مقداری آب به همراه گوگرد به او می‌خوراندند و از تأثیر یا عدم تأثیر آن، گناهکار یا بی‌گناه بودن وی را تعیین می‌کردند.	لایق	ارزنده، شایسته
چالاک	تند و فرز			مایه	باعث، علت، اصل و اساس
چرمین	منسوب به چرم، آنچه از چرم سازند.			مظهر	نماد، نشانه
چیرگی	غلبه، تسلط			معرب	عربی شده
خبیث	پلید، ناپاک، زشت			مگر	امید است
خرد	کوچک، اندک	شگفت	تعجب و حیرت	منش	خوی و طبیعت
خروشیدن	بانگ و فریاد زدن	شوخ	چرک و کثیفی	مبهر	بزرگ‌تر؛ مهترزاده؛ بزرگ‌زاده
خوار	بی‌ارزش، پست	شهره	مشهور و نامدار	میان	کمر
خورشگر	آشپز، طبّاح	شهریار	پادشاه	نامدار	مشهور، معروف
خوی	عادت، خصلت، خلق	عزم	آهنگ، اراده	نامور	سرشناس، مشهور
دادخواه	کسی که به او ظلم شده و تقاضای رسیدگی دارد، طالب عدل	علاج	درمان، چاره	نبرد	جنگ
درگاه	آستان، پیشگاه	فتراک	تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب آویزند.	نویدبخش	بشارت‌دهنده
دریدن	پاره کردن	فتنه	آشوب، فساد، شر	نهانگاه	مخفیگاه
دستار	عمامه	فراز کشیدن	به سوی خود کشیدن	وارونه	برعکس
دیوان	بارگاه، وزارت‌خانه	فراخواندن	دعوت کردن	هلال	ماه نو؛ این واژه با «خلال» = روا، جایزه هم‌آوا نیست.
دیوزاد	زاده دیو، پلید	فرزانه	آگاه، خردمند	همداستان	همراه، هم‌صدا، هم‌رأی
راستان	افراد عادل و درستکار	فرو دست	زیردست، حقیر	هوا	طرفداری
		کام	مراد، خواسته	یزدان	پروردگار

ایستگاه سؤال

درس ۱ ← لطف خدا / نیکی / همت

با توجه به بیت ها و عبارت های زیر، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

حلاوت سنج معنی در بیان ها	به نام چاشنی بخش زبان ها	۸۷۶
بماند تا ابد در تیره رایبی	نژند آن دل که او خواهد نژندش	۸۷۷
که شیری برآمد، شغالی به چنگ	خرد را گمر نبخشید روشنائی	۸۷۸
	فروماند در لطف و صنع خدای	۸۷۹
	در این بود درویش شوریده رنگ	۸۸۰
	زنخدان فرو برد چندی به جیب	۸۸۱
	معیار دوستان دغل روز حاجت است	۸۸۲
	که روزی رسلان قوت روزش بسداد	۸۸۳

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

معادل درست هر توضیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

عالمی که خداوند، فرشتگان و... در آن قرار دارند. (قیامت / غیب)	۸۸۵
آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می شود. (چاشنی بخش / حلاوت سنج)	۸۸۶
دارای طبع پست و کوتاه اندیشه. (دون همت / بداندیش)	۸۸۷
نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد. (چنگ / جیب)	۸۸۸

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

در بیت زیر، یک برابر معنایی برای واژه «حیله گر» مشخص کنید.	۸۸۹
«برو شیر درنده باش ای دغل	
مینداز خود را چو روباه شل»	
در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «آفرینش» بیابید.	۸۹۰
«یکی روبهی دید بی دست و پای	
فروماند در لطف و صنع خدای»	

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی



با توجه به عبارت‌ها و بیت‌های زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۱۱۱

بدو گفت مهتر به روی دژم

۱۱۱۲

بریده دل از ترس گیهان خدیو

۱۱۱۳

هم آنکه یکایک ز درگاه شاه

۱۱۱۴

ضحاک بارها فریب ابلیس را می‌خورد.

۱۱۱۵

ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که مردی پاک‌دین بود، از پا درمی‌آورد.

۱۱۱۶

سپس در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌های حیوانی به او می‌خوراند و خوی بد را در او می‌پرورد.

۱۱۱۷

یکی محضر اکنون بیاید نوشت

۱۱۱۸

هنر خوار شد، جادویی ارجمند

۱۱۱۹

چو برخواند کاوه، همه محضرش

۱۱۲۰

از آن چرم، کاهنگران پشت پای

۱۱۲۱

پیامد به درگاه سالار نو

۱۱۲۲

سروش خجسته پیام آورد که او را مگش که هنوز زمان مرگش فرا نرسیده است.

۱۱۲۳

روزی یاران الحاج کردند و مرا به تفرج بردند.

۱۱۲۴

استعداد مجزد، جز حسرت روزگار نیست.

۱۱۲۵

معنی درست واژه‌های مشخص شده را از کمانک روبه‌رو انتخاب کنید.



تو شاهی و گر ازدها پیکری

۱۱۲۶

از آن چرم، کاهنگران پشت پای

۱۱۲۷

همی رفت منزل به منزل چو باد

۱۱۲۸

خروشید و برجست لـرزان ز جای

۱۱۲۹

برای هر یک از توضیحات زیر، معادل معنایی مناسب بنویسید.

۱۱۳۰

افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم: (.....)

۱۱۳۱

متنی که ضحاک برای تبرئه خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود: (.....)

۱۱۳۲

در بیت زیر، یک معادل معنایی برای «خودستایی کردن» بیابید.

۱۱۳۳

الف) چنین گفت موبد به شاه جهان

۱۱۳۴

ب) همی برخروشید و فریاد خواند

۱۱۳۵

ج) در بیت زیر، یک معادل معنایی مناسب برای واژه «درفش» بیابید.

۱۱۳۶

الف) زور داری، چون نداری علم کار

۱۱۳۷

ب) در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «درفش» بیابید.

۱۱۳۸

الف) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش

۱۱۳۹

ب) در هر یک از عبارت‌های زیر، یک معادل معنایی مناسب برای واژگان «چیره، صدای بلند، تماشا» بیابید.

۱۱۴۰

الف) روزی یاران الحاج کردند و مرا به تفرج بردند؛ ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خواست.

۱۱۴۱

ب) علم در همه بایی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.

۱۱۴۲

پ) بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی. خلق حیران شدند؛ از هر طرف، نفیر برآمد.

۱۱۴۳

شهریور ۹۸ و ۲۰ پارتکار

خرداد ۹۸

خرداد ۹۷ و شهریور ۹۵

خرداد ۹۴

(به‌طور قطع / احتمالاً)

شبه‌نروایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

(جراحت / ضربه)

(مرحله / کاروان)

(واگذار کرد / پایمال کرد)

املاي واژه قلمرو زباني

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



بارم در آزمون نهایی ۲ نمره

تنوع تیپ سؤال ۴ گونه

منابع مطالعه

فهرست فصل به فصل روابط
واژگانی کتاب حاضر

نوع حفظی - کاربردی

محتوا املاي واژگان دشوار کتاب
درسی

راهنمای
مطالعه

۳ بarm املا در آزمون نهایی ۲ نمره است و سؤالات آن طبق الگوی سؤالات موجود در کتاب حاضر طراحی می‌شود؛ بنابراین اطمینان داشته باشید که با مطالعه دقیق فهرست روابط معنایی واژگان و واژگان هم‌آوا و متشابه در کتاب حاضر، می‌توانید به راحتی بarm این بخش را کسب کنید.

آورده شده تا با شناسایی و فراگرفتن این دسته از واژگان خطاهای املايي شما به حداقل برسد.

۲ از آنجا که قابلیت پوشش‌دهی روابط معنایی واژگان در هر درس امکان‌پذیر نبود، این مبحث به صورت فصلی ارائه شد؛ اما سؤالات آن به صورت درس به درس طراحی شده است. از این رو می‌توانید با گونه‌های متنوع سؤالات هر درس آشنا شوید و براساس دانسته‌هایتان خود را محک بزنید.

۱ املاي واژه از جمله مباحث چالشی و تقریباً دشوار درس فارسی است. به منظور تسهیل فرایند یادگیری این مبحث برای شما دانش‌آموزان عزیز، فهرستی از واژگان هر فصل از کتاب درسی با تکیه بر روابط معنایی واژگان از جمله واژگان مترادف، متضاد، متناسب، هم‌خانواده و... تهیه شده است تا با مطالعه آن بتوانید املاي واژگان را به خاطر بسپارید. افزون بر آن، واژگان هم‌آوا و متشابه به همراه معنی آن‌ها به طور مجزا در هر فصل



فصل ۱

درس ۱: لطف خدا / نیکی / همت

درس ۲: قاضی یست / زاغ و کیک

ص ۱۹۴

ص ۱۹۵

سؤالات

واژگان مترادف

محجوب و پنهان	سیر و بیزار	حلاوت و شیرینی
عارضه و بیماری	گران و سنگین	نژد و خوار
کراهیت و ناپسندی	حمیت و غیرت	تیره‌رایی و بداندیشی
مخنقه و گردن‌بند	قوت و نیرو	احسان و بخشش
تاس و کاسه	صید و شکار	قرین و نزدیک
زایل و برطرف	شراع و خیمه	تدبیر و رای
همایون و مبارک	مطرب و نوازنده	صنع و ساختن
گسیل و روانه	حشم و ندیم	شوریده و آشفته
دوات و جوهر	چاشتگاه و نزدیک‌ظهر	اتفاق و حادثه
نشاط و شادی	جامه و لباس	قوت و غذا
رقعت و نامه	بانگ و غریو	یقین و باور
خیل‌تاش و سپاهی	هراهر و جنبش	زخندان و چانه
مثقال و ذره	رحمت و بخشش	غیب و پنهان
غزو و جنگ	سور و جشن	تیمار و غمخواری
بی‌شبهت و بی‌تردید	کوشک و سرا	حب و گریبان
فراخ و آسوده	تباه و ضایع	صبر و شکیبایی
ضیعت و زمین‌کشاورزی	اضطراب و تشویش	محراب و عبادتگاه
صیلت و انعام	اعیان و بزرگان	دغل و حيله‌گر
وزر و گناه	استقبال و پیشواز	سعی و کوشش
وبال و عذاب	خروش و هیاهو	معیار و مقیاس
طریق و راه	رعیت و مردم	قرض و وام
عرصه و میدان	صعب و دشوار	بی‌حد و بی‌اندازه
مخزن و گنجینه	صدقه و خیرات	عار و ننگ
عرضه‌ده و نشان‌گر	مثال و فرمان	ضایع و تباه
خطوات و قدم‌ها	مقرون و همراه	رزق و روزی
خلاصه و القصه	سرسام و هذیان	برکت و فراوانی
مرغزار و سبزه‌زار	درم و درهم	تافتن و تابیدن
قاعده و قانون	مستحق و نیازمند	شرط و پیمان
غرامت‌زده و پشیمان	توقيع و امضا	

واژگان متضاد

اقبال و ادبار
بیگانه و دوست
خام و سوخته
شام و سحر
زُتر و زیر
پیشین و پسین
حلال و حرام

واژگان متناسب

دیده و بیننده
رگ و استخوان و پوست
شغال و رویاه
مور و پیل
باز و عقاب
تضیی و تناسب
باغ و راغ و راغ
ترازو و میزان

واژگان هم‌خانواده

فخر و افتخار
حاجت و محتاج
متحیر و حیرت
توفیق و موافق
مَثَل و تمثیل

غرقه و غریق
مؤکد و تأکید
مبشّر و بشارت
فَارغ و فراغت
قانع و قناعت
کافی و کفایت
زر و زَرین
متقارب و تقرّب
فضل و فضیلت

واژگان جمع و مفرد

ممالک و مملکت
احوال و حال
اطبّا و طبیب
عادات و عادت
گُت و نکته

سایر واژه‌ها و ترکیب‌های املايي

تقلید نایجا و کورکورانه
چاشنی بخش
وضع عالم
بی مغز و پوست
بیفکن
نام و ننگ
دون همت

قطرهٔ باران
گوهر یکدانه
درخت ارغوان
قاضی بُست
رود هیرمند
کرانهٔ رود
شهر غزنین
بونصر مشکان
آغاجی خادم
پرده‌های کتّان
پیراهن توی
بوالغلاي طبیب
عزّوجلّ
بوالحسن بولانی
سنت مصطفی
شبحان الله
امیر المؤمنین
خواجه عمید
حق گزاردن
علی آجّ حال
حُطام دنیا
لِئِه دُرُگُما
رهروی کبک
فیروزه‌فام

واژگان هم‌آوا و متشابه

واژگان هم‌آوا

قاضی غازی
دادرس مجاهد
قضا غزا
تقدیر جنگ
صور سور
شیپور جشن

خواست خواست
طلب کرد بلند شد

واژگان متشابه

قوت قوَت
غذا، خوراک توانایی و نیرو
فراق فراغ
جدایی آسودگی

عقد عقد
گردن‌بند پیوند

روضه روزه
باغ امساک (پرهیز از خوردن و آشامیدن)

افکار افکار
مجرّوح، خسته جمع فکر

فصل ۶

درس ۱۲: کَلوهٔ دادخواه / کاردلی
درس ۱۴: حملهٔ حیدری / وطن

ص ۲۰۴
ص ۲۰۵

واژگان هم‌خانواده

طالب و طلب
حیران و حیرت
علم و عالم
اخلاص و خلوص
حبیب و محبوب

واژگان جمع و مفرد

اساطیر و اسطوره
ایام و یوم
افلاک و فلک

سایر واژه‌ها و ترکیب‌های املایی

منش حبیث
گیهان خدیو
ضرب‌گرز
اعلام‌آمادگی
فرصت‌گران‌بها
استعداد‌مجرد
هژبر ژیان
علی‌بن ابی‌طالب
حسرت‌روزگار
خیبرگشا
نبرد‌خواستن
پایمردان‌دیو
زخم‌درای
بزدان‌پرست
خواست‌خدا
پیش‌بند‌چرمین
خوی‌آهریمنی
بن‌غار
درفش‌کاویان
دادخواه
ژنده‌فیل
جبرئیل
عمرو
گوا و گواه
بر‌خروشید و یخواست
تپید و غلتید
شیر‌اله

واژگان مترادف

بی‌نظیر و بی‌مانند
اتحاد و وحدت
ضد و علیه
معزب و عربی‌شده
ضخاک و اژی‌دهاک
مظهر و نشان
فساد و فتنه
خوالیگر و آشپز
دژم و خشمگین
فرزانه و حکیم
علاج و درمان
تسکین و التیام
عزم و قصد
حکایت و روایت
تعبیر و تفسیر
زبونی و خواری
ناگزیر و ناچار
نهانگاه و مخفیگاه
بهریزی و خوشبختی
جیرگی و غلبه
قیام و جنبش
محضر و استشهاده‌نامه
سپهد و فرمانده
برخواندن و دعوت‌کردن
غو و فریاد و غریو
مایه و باعث
ترگ و کلاه‌خود
فتراک و تسمه
برگستوان و زره
سوفار و دهانهٔ تیر
الحاح و اصرار
تفرج و گردش
نفیر و فریاد
فایق و پیروز
لاف و ادعا
هوس و میل
همرزم و رقیب

رخصت و اجازه
سهمگین و ترسناک
امتناع و خودداری
خاییدن و جویدن
علم‌کردن و برافراشتن
لخت‌لخت و پاره‌پاره
غضنفر و شیر
ماهر و استاد
وصی و نماینده
خصم و دشمن
دریغ و افسوس
منزه و پاکیزه
دغل و حيله‌گر
غزا و جنگ
خدو و آب‌دهان
کاهلی و کوتاهی
عفو و رحم
مأمور و گماشته
وطن و میهن
آغشته و آمیخته
گزند و آسیب

واژگان متضاد

عزت و ذلت
کهنتر و مهتر
صلح و جنگ
فرزانگان و دیوانگان
خوار و ارجمند
شیر‌حق و شیر‌هوا

واژگان متناسب

خورش و خورشگر
مغز و سر
موبدان و خردمندان
رزم و رزمگه
فریدون و آبتین و فرانک
رستم و زال
بدر و هلال
ضرب و حرب
نهنگ و یم

ایستگاه سؤال

درس ۱ | لطف خدا / نیکی / همت

در هریک از بیت ها و عبارت های زیر، املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(هلاوت / حلاوت) سنج معنی در بیان ها

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

(غرضی / قرضی) به رسم تجربه از دوستان طلب

ز دیوار (محرابش / مهرباش) آمد به گوش

(میانداز / مینداز) خود را چو روباه شل

خرداد ۱۴۰۴ - خارج و شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی (حمیت / همیت) کشند، نه به قوت تن.

دون همت یا کوتاه همت، کسی است که دارای (طبع / تبع) پست و کوتاه اندیشه باشد.

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املایی بیابید و درست آن را بنویسید.

فرومانند در لطف و سنع خدای

بدین دست و پای از کجا می خورد؟

نه خود را بیافکن که دستم بگیر

ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب

گر نام و ننگ داری، از آن فخر آر دار

بهارت خوش که فکر دیگرانی

که بخشنده روزی فرستد ز غیب

به نام چاشنی بخش زبان ها

معیار دوستان دغل روز حاجت است

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش

برو شیر دژنده باش ای دغل

یکی، روبهی دید بی دست و پای

که چون زنده گانی به سرمی برد؟

بگیر ای جوان، دست درویش پیر

سورت بی صورت بی حد غیب

فخری که از وسیلت دون همتی رسد

به گوش ارقوان آهسته گفتم؛

ذخدان فرو برد چندی به جیب

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

در بیت زیر، یک واژه «هم آوا» بیابید و مترادف آن را بنویسید.

گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

«فخری که از وسیلت دون همتی رسد»



۱۳۶۳

۱۳۶۴

۱۳۶۵

۱۳۶۶

۱۳۶۷

۱۳۶۸



۱۳۶۹

۱۳۷۰

۱۳۷۱

۱۳۷۲

۱۳۷۳

۱۳۷۴

۱۳۷۵



۱۳۷۶

۱۲۷۷

در گروه کلمه‌های زیر، چهار مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ آن‌ها را بیابید و شکل درست هریک را بنویسید.
«صنع و آفرینش - فراهم و محیّا - جیب و یقه - حمیت و مردانه‌گی - غیب و پنهان - اقبال و ادبار - قوت و قضا - خار و زیون - دغل و حيله‌گر - قرین و همراه»

←

۱۲۷۸

گزینه درست را انتخاب کنید.

در کدام بیت، غلط املایی دیده می‌شود؟

- (۱) کرده‌ام قالب تهی از اشتیاق عمرهاست
- (۲) از لطافت کوه‌ها را در هوا رقصان کند
- (۳) رزق‌ها آید به پای میهمان از خوان غیب

قامت چون شمع در محراب آغوشم گذار
وز هلاوت بحرها را چون شکر شیرین کند
میزبان ماست هرکس می‌شود مهمان ما

۱۲۷۹

در کدام بیت، غلط املایی وجود ندارد؟

- (۱) اگر لطفش قرین حال گردد
- (۲) بیش است عزم شیر به گاو بلند شاخ
- (۳) از آن بی‌همیت بیابند گریخت
- (۴) حلاوتی که تو را در چه ذنخدان است

همه ادبارها اقبال گردد
بر خصم بی‌سلاح دلیری است آر مرد
که نامردی‌اش آب مردان بریخت
به گنه آن نرسد، صدهزار فکر عمیق

۱۲۸۰

در میان گروه کلمه‌های زیر، چند غلط املایی مشهود است؟

«تضمن و تضاد، (رزق و روزی)، (غرض و وام)، (ننگ و عار)، (ضایع و تباه)، (حمیت و غیرت)، (دغل و هیله‌گر)، (وضع عالم)، (لطف و صنع)، (شغال و روباه)، (تبع و سرشت)»

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

درس ۲

قاضی بست / زاغ و کبک

←

۱۲۸۱

در هریک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر، املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

بانگ و هزاهز و غریو (خواست / خواست). امیر برخاست.

۱۲۸۲

اَمّا ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت، و (سوری / سوری) و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

۱۲۸۳

و ما حقّ این نعمت تندرستی که باز یافتیم، لختی (گذارده / گزارده) باشیم.

۱۲۸۴

زاغی از آنجا که (فراغی / فراقی) گزید رخت خود از باغ به راغی کشید

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

←

۱۲۸۵

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املایی بیابید و درست آن را بنویسید.

و روز پنج‌شنبه، امیر را تب گرفت؛ تب سوزان و صرصامی افتاد.

۱۲۸۶

و بسیار شاخه‌ها نهاده و طاس‌های بزرگ پُر یخ بر زَبر آن و امیر را یافتن آنجا بر زَبر تخت نشسته.

۱۲۸۷

گفت؛ در این دو سه روز، بار داده آید که علّت و تب تمامی ذایل شد.

۱۲۸۸

نزدیک آغاجی بُردم و راه یافتم و آن نامه را بخواند و دوات خواست و توقیع کرد.

۱۲۸۹

و روز دوشنبه [امیر مسعود] به کران رود هیرمند رفت با یازان و یوزان و هَشَم و ندیمان و مُطربان.

۱۲۹۰

اَمّا چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وذر و ویال این، چه به کار آید؟

۱۲۹۱

و آنچه دارم از اندک مایه حُطام دنیا هلال است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.

۱۲۹۲

نادره کبکی به جمال تمام شاهد آن روزۀ فیروزه فام

←

۱۲۹۳

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

تعداد غلط‌های املایی هر مورد را بنویسید.

الف) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاحز و غریو خواست. امیر برخاست.

ب) و اظطرابی و تشویشی بزرگ به پای شده و اعیان و وزیر به خدمت استقبال رفتند.

چرداد ۱۴۰۴

چرداد ۱۴۰۴ - خارج

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی

در هریک از بیت ها و عبارت های زیر، املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

روزي ياران (الحاح / الهاج) کردند.

همين اشاره کافي است که پادشاه بدمنش به (جستجوی / جست و جوی) چنين نوزادی فرمان دهد.

ز هر کشوري مهتران را (بخاست / بخواست) که در پادشاهی کند پشت راست

بيامد به درگاه سالار نو بدیدندش آنجا و برخاست (غو / غو)

فريدون دست به گرز گاوسر برد و «بزد بر سرش، ترگ بشکست (خُرد / خورد)».

سپس در لباس (خالگیری / خوالیگری) چالاک، خورش های حیوانی به او می خوراند.

بدر در میدان او (حلالي / هلالي) بودی و رستم به دستان او زالی.

در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املايي بیابید و درست آن را بنویسید.

در داستان های حماسي ايران و اساطير باستان، چهره انقلابي کاوه آهنگر بی نذیر است.

در اوستا موجودی است «سه پوزه سه سر شش چشم»، دیوزاد و مایع آسیب آدمیان و فتنه و فساد.

به این ترتیب که هر شب دو مرد را از کهتران یا مهترزاده گان به دیوان او می برند.

اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بحر ماست؟

همان کاوه آن بر سر نیزه کرد همان گه ز بازار برخواست گردد

روزي ياران الهاج کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره ای درآمد و نبرد خواست.

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

در عبارت زیر، واژه ای بیابید که در زبان فارسی «هم آوا» داشته باشد.

«کشتی گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالي بودی و رستم به دستان او زالی.»

در گروه واژه های زیر، سه نادرستی املايي وجود دارد؛ آن ها را بیابید و درست هریک را بنویسید.

«درفش و بیرق - الحاح و اسرار - تفرّج و گشت و گذار - فایغ و مسلط - خوالیگر و آشپز - منسوب به کاوه - توجیح کنندگان حکومت ضحاک - سپهبد و فرمانده - غو و غریو»

گزینه درست را انتخاب کنید.

در همه گزینه ها به جز گزینه واژه «هم آوا» دیده می شود.

(۱) هنر خوار شد، جادویی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

(۲) اگر هفت کشور به شاهی تو راست چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟

(۳) زور داری، چون نداری علم کار لاف آن نتوان به آسانی زدن

(۴) همی رفت پیش اندرون مرد گرد سپاهی بر او انجم شد، نه خُرد

در گروه واژه های زیر، املاي چند واژه نادرست است؟

«مهتران و بزرگان»، «صوفار و دهانه تیر»، «حیات و زندگی»، «سخنان بی پایه و اثاث»، «معرب و عربی شده»، «تبرئه و رفع اتهام»، «ضال و فرتوت»، «غو و هزاهز»، «مجرد و صرف»، «فتراک و برگستان»، «آهرمن و ابلیس»

(۱) چهار (۲) سه (۳) پنج (۴) دو

کدام بیت فاقد غلط املايي است؟

(۱) من نمی کردم غزا از بحر آن تا ظفر یابم فرو گیرم جهان

(۲) چنان آمد از هر دولشکر قریو کزان هول دیوانه شد مغز دیو

(۳) غو پاسبان خواست چون زلزله همی شد چو آواز شیر یله

(۴) غو پیشرو خاست اندر زمان که آمد به ره چار ببر دمان

معنی و مفهوم شعر و نثر قلمرو فکری

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



بارم در آزمون نهایی ۸ نمره

درک مطلب ۴ نمره

معنی و مفهوم نثر ۲ نمره

معنی و مفهوم شعر ۲ نمره

منابع مطالعه

تمامی نوشته‌ها و سروده‌های متن

درس‌ها و کارگاه‌های متن‌پژوهی
کتاب

نوع حفظی - مفهومی

محتوا بازگردانی شعر و نثر به

فارسی روان / درک مطلب

راهنمای
مطالعه

مصراع دوم بیت یا جمله پایانی
عبارت استنباط می‌گردند.

۴ در قلمرو فکری باید به تمام
مباحث کتاب اعم از «متن درس /
کارگاه متن‌پژوهی / گنج حکمت /
روان‌خوانی / شعرخوانی» توجه
داشته باشید؛ زیرا ممکن است از
تمام موارد فوق سؤال طراحی شود.

ادبی شما از کل بیت است؛ حال
آنکه معنی کردن، بازگردانی بیت
به زبان امروزی و به‌کارگیری معنی
چند واژه مهم عبارت و در پایان
مرتب کردن آن است.

۳ پرسش‌های درک مطلب که
معمولاً از کارگاه‌های متن‌پژوهی
کتاب طراحی می‌شوند، گاهی از

۱ لازم است که به هنگام
بازگردانی (معنی کردن) به بarm هر
مورد توجه کنید. (۰/۲۵) نشانگر
اهمیت یک واژه در عبارت است،
(۰/۵) نمره دو واژه و (۰/۷۵) سه
واژه؛ سپس بیت یا عبارت را به
نثر روان بازگردانید.

۲ معنی با مفهوم متفاوت است.
مفهوم در حقیقت «درک و دریافت

نیکی

سوالات: ۳۱۵

۱

درس

یکی رویی بد بی دست و پای فرومارد در لطف و منغ خدای

ترتیب ارکان یکی، رویاهی بی دست و پای دید و در لطف و صنع خدای فروماند.

معنی روان شخصی رویاهی بی دست و پا دید و با دیدن آن، از لطف و آفرینش خداوند شگفت زده و متحیر شد. ۵/۵

مفهوم سرگشتگی و حیرت از لطف و آفرینش خداوند

که چون زندگانی به سر می برد؟ بدین دست و پای از کجای خورد؟

ترتیب ارکان که [روباه] چون (چگونه) زندگانی [را] به سر می برد؟ و با این دست و پای از کجا [روزی] می خورد؟

معنی روان که این روباه چگونه زندگی خود را سپری می کند؟ ۲۵/۵ و با این ناتوانی از کجا خوراک به دست می آورد؟ ۲۵/۵

در این بود درویش شوریده رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

ترتیب ارکان درویش شوریده رنگ در این [فکر] بود که شیری شغالی به چنگ برآمد.

معنی روان درویش آشفته حال، در این اندیشه بود. ۲۵/۵ که ناگهان، شیری با شغالی به چنگ پدیدار شد. ۲۵/۵

شغال نگون بخت را شیر خورد بانه آنچه روباه از آن سیر خورد

ترتیب ارکان شیر، شغال نگون بخت را خورد، آنچه بماند روباه از آن سیر خورد.

معنی روان شیر، شغال بخت برگشته را خورد ۲۵/۵ و روباه از آنچه باقی ماند، سیر خورد. ۲۵/۵

مفهوم روزی رسانی خداوند به افراد ضعیف به واسطه افراد توانمند.

وگر روز باز اتفاق افتاد که روزی رسان قوت روزش بداد

ترتیب ارکان روز دگر باز [همان] اتفاق افتاد، که روزی رسان، قوت روز او [را] داد.

معنی روان روز دیگر، دوباره همان اتفاق افتاد ۲۵/۵ و خدای روزی رسان، خوراک روزانه روباه را داد. ۲۵/۵

مفهوم رزاقیت خداوند / روزی رسانی پیوسته به موجودات

یقین، مرد را دیده، بینده کرد شد و کجی بر آفریننده کرد

ترتیب ارکان یقین، دیده مرد را بینده کرد، [مرد درویش] شد (رفت) و بر آفریننده تکیه کرد.

معنی روان یاور و ایمان قلبی به روزی رسانی خداوند مرد درویش را آگاه کرد (یقیناً آنچه که دیده بود، مرد را آگاه کرد) ۵/۵؛ بنابراین رفت و بر خداوند توکل کرد. (دست از کار و تلاش برداشت). ۵/۵

مفهوم یقین پیدا کردن بر رزاقیت خداوند و توکل کردن به او

کنن بس به کنی نشینم چو مور که روزی نخوردن پیلان به زور

ترتیب ارکان که از این پس [من] چو مور به کنی می نشینم [زیرا] که پیلان به زور روزی نخوردند.

معنی روان [مرد درویش یا خود گفت] که از این به بعد من نیز مانند مورچه در گوشه ای می نشینم ۲۵/۵ (تا خدا روزی مرا برساند) زیرا حتی فیل ها نیز با زور و قدرت، روزی به دست نمی آورند. ۲۵/۵

کاوه دادخواه

سوالات: ص ۳۴۱

درس ۱۲

در داستان‌های حماسی ایران و اساطیر باستان، چهره انقلابی کاوه آهنگر بی‌نظیر است

معنی روان در داستان‌های حماسی ایران و افسانه‌های کهن، شخصیت انقلابی کاوه آهنگر بی‌مانند است. ۰/۲۵

و پیش‌بند چرمین او که بر نیزه گرد و مردم را به اتحاد و جنبش فراخواند، درفش بود انقلابی که بر ضد پادشاه وقت، ضحاک، برافراشت. درفش که پشتیبان آن، دل دردمند و بازوی مردم رنج کشیده و بی‌پناه بود.

مفهوم ۱ دعوت به قیام همگانی ۲ اتحاد و همراهی مردم با کاوه علیه ظلم حاکم

تناسب معنایی بی‌بویید کاین مهتر آهرمن است جهان آفرین را به دل دشمن است

ضحاک، مُعَرَّب اَیِ دهاک (ازدها)، در داستان‌های ایرانی، مظهر خوی شیطانی است و زشتی و بدی؛

معنی روان ضحاک، عربی شده ازدها، در داستان‌های ایرانی نشانه خصلت شیطانی، زشتی و بدی است. ۰/۵

به روایت فردوسی، ضحاک بارها فریب ابلیس را می‌خورد؛ بدین معنی که ابلیس با موافقت او، پدرش، مرداس، را که مردی پاک‌دین بود، از پا درمی‌آورد تا ضحاک به پادشاهی برسد.

معنی روان به گفته فردوسی، ضحاک چندین بار از شیطان فریب می‌خورد؛ ۰/۲۵ ابتدا شیطان با همراهی ضحاک، پدرش یعنی مرداس را که مردی خداپرست بود، می‌کشد تا ضحاک به قدرت برسد. ۰/۵

تناسب معنایی بی‌آورد وارونه ابلیس بند	یکی ژرف‌چاهی به ره بر، بکند
به چاه اندر افتاد و بشکست پست	شد (= مُرد) آن تیک‌دل مرد یزدان‌پرست
فرومایه ضحاک بیدادگر	بدین چاه بگرفت، جای پدر
به خون پدر گشت هم‌دستان	ز دانا شنیدم من این داستان

سپس [ابلیس] در لباس خوالیگری چالاک، خورش‌هایی حیوانی به او می‌خورد و خوی بد را در او می‌پرورد؛

معنی روان سپس به شکل آشپزی ماهر، غذاهایی از گوشت حیوانات مختلف به او می‌خوراند ۰/۲۵ و اخلاق و منش پدر او (ضحاک) پرورش می‌دهد. ۰/۲۵

تناسب معنایی بدو گفت اگر شاه را درخورم	یکی نامور پاک خوالی‌گرم
ز هر گوشت، از مرغ و از چارپای	خورشگر بی‌آورد یک‌یک به جای
به خویش بی‌رورد برسان شیر	بدان تا کند پادشاه را دلیر

سپس بر اثر بوسه زدن ابلیس بر دوش ضحاک، دو مار از دو کتف او می‌روید و مایه رنج وی می‌شود.

مفهوم دو ماری که از دو کتف ضحاک روییده بود، نتیجه بوسه شیطان بر شانه‌های او بود.

تناسب معنایی یکی حاجت استم به نزدیک شاه	و گرچه مرا نیست این پایگاه
که فرمان دهد تا سرکتف اوی	ببوسم بر او بر نهم چشم و روی
دو مار سیه از دو کتفش برست	غمی گشت از هر سوی چاره جست

بدانست خود کافریدون کجاست سر اندر کیند و می رفت راست

ترتیب ارکان	خود [کاوه] می دانست که فریدون کجاست. [کاوه] سر اندر کشید و راست همی رفت.
معنی روان	کاوه، خود می دانست که فریدون در کجا مستقر است. ۰/۲۵ به همین دلیل به راه افتاد ۰/۲۵ و مستقیم به آنجا رفت. ۰/۲۵

بیامد به درگاه سالار نو بدیدش آن جا و برخاست نو

ترتیب ارکان	[کاوه] به درگاه سالار نو بیامد. [مردم] او را آن جا دیدند و غو برخاست.
معنی روان	کاوه به همراه مردم به درگاه پادشاه جوان (فریدون) آمد ۰/۲۵ و همین که مردم او را (فریدون) در آنجا دیدند، فریاد شادی شان بلند شد. ۰/۲۵
مفهوم	شادمانی مردم به خاطر دیدن پادشاه جوان (فریدون)

فریدون چو گیتی بر آن گنبد دید جهان ویش ضحاک وارونه دید

ترتیب ارکان	چو فریدون گیتی [را] بر آن گونه دید، جهان [را] پیش ضحاک وارونه دید (پنداشت).
معنی روان	وقتی فریدون قیام و اعتراض مردم را بدین شکل دید ۰/۲۵ دنیا را برای ضحاک تمام شده و واژگون پنداشت. ۰/۲۵
مفهوم	به قطعیت رسیدن در مورد سقوط و نابودی ضحاک

می رفت منزل به منزل چو باد سری پر ز کین دلی پر ز داد

ترتیب ارکان	[فریدون با] سری پر از کینه و دلی پر از داد، چو باد منزل به منزل همی رفت.
معنی روان	فریدون با وجودی سرشار از نفرت و دشمنی ۰/۲۵ و دلی پر از دادگری و انصاف ۰/۲۵ به سرعت یاد، مرحله به مرحله پیش می رفت. ۰/۲۵
	[زمینه قهرمانی حماسه]
مفهوم	قیام فریدون به منظور دادگری و انتقام جویی

به شهر اندرون مر که بُرنا بدید چه پیران که در جنگ دانا بدید

ترتیب ارکان	هر که به شهر اندرون بُرنا بُدند و چه پیران که در جنگ دانا بُدند ...
معنی روان	همه مردم شهر، چه کسانی که جوان و نیرومند بودند ۰/۲۵ و چه پیران که در جنگ مهارت و تجربه داشتند ... ۰/۲۵
نوجه	این بیت با بیت بعدی «موقوف المعانی» است.

سوی لشکر آفریدون شده ز نزدیک ضحاک بیرون شده

شاهنامه، فردوسی

ترتیب ارکان	سوی لشکر آفریدون شدند (رفتند) و از نزدیک ضحاک بیرون شدند (رفتند).
معنی روان	به سوی سپاه فریدون رفتند ۰/۲۵ و از ظلم و اسارت ضحاک نجات یافتند. ۰/۲۵
مفهوم	همگانی شدن قیام برای رهایی از ظلم

فریدون با لشکری از مردم شهر که به یاری اش آمده بودند، به رویارویی با ضحاک آمد و دست به گرزگاو سر برد و «بزد پر سرش، ترگ بشکست خُرد».

معنی روان	فریدون با سپاهی از مردم که به کمک او آمده بودند، به جنگ با ضحاک آمد ۰/۲۵ و گرزگاو سر خود را برداشت ۰/۲۵ و آن چنان بر سر ضحاک کوبید که کلاه خودش شکست. ۰/۲۵
------------------	--

«سروش خجسته» پیام آورد که او را مگش که هنوز زمان مرگش فرا نرسیده است؛ او را با همین شکستگی به کوه دماوند ببر و همان جا در بند کن.

معنی روان فرشته پیام آور و فرخنده، پیام آورد ۵/۲۵ که او را نکش؛ زیرا هنوز زمان مرگ او فرا نرسیده است؛ او را با همین خواری و ذلت به کوه دماوند ببر ۵/۲۵ و در همان جا اسیر کن. ۵/۲۵

مفهوم توصیه به تقدیرگرایی و در بند کردن ستمگر

فریدون دو دست و میان ضحاک را به بندی بست، سپس او را به کوه دماوند و در غاری که «بُتش ناپذید» بود، سرنگون آویخت.

معنی روان فریدون دست و کمر ضحاک را با ریسمانی بست. ۵/۲۵ سپس او را به کوه دماوند برد و در غاری که انتهای آن مشخص نبود، واژگون آویزان کرد. ۵/۵

مفهوم به بند کشیدن ضحاک و نابودی حکومت ظلم

تناسب معنایی ۱) ببردند ضحاک را بسته، خوار ۲) آن کس که ستم کرد در این شهر، ستم دید
به پشت هیونی (= شتر) پرافکنده، زار
ایزد نپسندد ستم از هیچ ستمکار

بیت کارگاه متن پژوهی

نویک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تازان پس
به هر جانب که روی آری، درفش کاویان مینی

ترتیب ارکان تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا از آن پس، به هر جانب که روی بیاوری، درفش کاویان ببینی.

معنی روان تو برای مدتی کوتاه، مانند فریدون تلاش و مبارزه کن. ۵/۵ تا از آن پس، به هر سو که توجه کنی، پیروزی و موفقیت نصیب تو شود. ۵/۲۵

مفهوم دعوت به تلاش و مبارزه برای رسیدن به پیروزی و رستگاری

گنج حکمت: کاردانی

کشتی گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او هلالی بودی و رستم به دستان او زالی.

معنی روان کشتی گیری بود که در زورآزمایی و مبارزه مشهور بود. ۵/۲۵ [به اندازه ای قدرتمند بود] که در میدان مبارزه، ماه شب چهارده در برابر او همچون هلال ۵/۲۵ و رستم در دست های او مانند پیری، ضعیف و ناتوان بود. ۵/۲۵

مفهوم توصیف اغراق آمیز قدرت و زورمندی کشتی گیر

با جوانان چو دست بکهای
پای گردون هر برهتی

ترتیب ارکان چو با جوانان دست می گشاد، پای گردون پیر [را] برمی بست.

معنی روان آن کشتی گیر وقتی با جوانان زورآزمایی و مبارزه می کرد، ۵/۲۵ حتی روزگار پیر را نیز شکست می داد. ۵/۲۵

مفهوم توصیف اغراق آمیز قدرت و توانمندی کشتی گیر

روزی یاران الحاج کردند و مرا به تفرّج بردند؛

معنی روان یک روز دوستان اصرار کردند ۵/۲۵ و مرا به گردش بردند. ۵/۲۵

قصه عینکم

سوالات: ص ۳۵۱

درس ۱۶

به قدری این **حادثه زنده است** که از میان تاریکی‌های حافظه‌ام روشن و پرفروغ **مثل روز می‌درخشد**. گویی دو ساعت پیش اتفاق افتاده، **هنوز در خانهٔ اول حافظه‌ام باقی است**.

معنی روان ۱) کنایه از به یاد داشتن حادثه (خاطره) / تازه به نظر رسیدن آن ۰/۲۵

۲) کنایه از روشن و آشکار بودن حادثه ۰/۲۵

۳) کنایه از اینکه هنوز آن را به خوبی و کاملاً به یاد دارم. ۰/۲۵

تا آن روزها که کلاس هشتم بودم، خیال می‌کردم عینکم، مثل تعلیمی و کراوات یک چیز **فرنگی مانی است** که مردان متممّن برای قشنگی به چشم می‌گذارند. دایی جان میرزا غلامرضا که **در تجدد افراط داشت**، اولین مرد عینکی بود که دیده‌بودم. علاقهٔ دایی جان در واگس گفش و کارد و چنگال و کارهای دیگر فرنگی متبآن **مرا در فکرم تقویت کرد**. **گفتم هست و نیست، عینک یک چیز متجددانه است** که برای قشنگی به چشم می‌گذارند.

معنی روان ۱) چیزی است که به اروپایی‌ها (غربی‌ها) برمی‌گردد. (ریشه در آداب اروپاییان دارد). ۰/۲۵

۲) در نوگرایی زیاده‌روی می‌کرد. ۰/۲۵

۳) مرا مطمئن کرد ۰/۲۵ گفتم: بدون شک، عینک یک چیز نوگرایانه است. ۰/۲۵

مفهوم تجددگرایی

عصر تممّدن بیمن و دور تجدد از فکلی‌های لاله‌زار علی‌خان

این مطلب را داشته باشید و حالا سری به مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم بزنیم. قدّ بنده به نسبت ستم همیشه دراز بود. **ننه - خدا حفظش کند - هر وقت برای من و برادرم لباس می‌خرید، ناله‌اش بلند بود. متلکی می‌گفت که دو برادری مثل غلم بزند می‌مانید. دراز دراز، می‌خواهید بروید آسمان، شوریا بیاورید.** در مقابل این قدّ دراز، **چشمم سو نداشت و درست نمی‌دید.** بی‌آنکه بدانم چشمم ضعیف و کم‌سوست، چون تابلو سیاه را نمی‌دیدم، بی‌اراده در همهٔ کلاس‌ها به طرف نیمکت ردیف اول می‌رفتم.

معنی روان ۱) کنایه از ناراحت و ناراضی بود. ۰/۲۵

۲) طعنه آمیز سخن می‌گفت. ۰/۲۵

۳) کنایه از دراز و بلند قد هستید. (ضرب المثل) ۰/۲۵

۴) کنایه از زیادی بلند قد و دراز هستید. (ضرب المثل) ۰/۲۵

۵) کنایه از خوب نمی‌دیدم. (کم بینا بودم). ۰/۲۵

در خانه هم غالباً پای سفرهٔ ناهار یا شام بلند می‌شدم، چشمم نمی‌دید؛ پاهم به لیوان آب‌خوری یا بشقاب یا کوزهٔ آب می‌خورد؛ یا آب می‌ریخت یا ظرف می‌شکست. آن وقت بی‌آنکه بدانند و بفهمند که من نیمه‌کورم و نمی‌بینم، خشمگین می‌شدند. **پدرم بد و بی‌راه می‌گفت: مادرم شمتانم می‌کرد، می‌گفت: «به شتر افسار گسیخته می‌مانی؛ شلخته و هر دم بیل و هیل و هیو هستی؛ جلو پایت را نگاه نمی‌کنی. شاید چاه جلویت بود و در آن بیفتی.»** بدبختانه خودم هم نمی‌دانستم که نیم‌کورم، خیال می‌کردم همهٔ مردم همین قدر می‌بینند!

معنی روان ۱) کنایه از ناسزا می‌گفت. ۰/۲۵

۲) مادرم، مرا سرزنش می‌کرد ۰/۲۵ می‌گفت: «غیرقابل کنترل هستی ۰/۲۵ بی‌نظم و بی‌دقت ۰/۲۵ و بی‌خیال و بی‌مسئولیت هستی. ۰/۲۵

روان خوانی: دیدار

طلبة جوان، در آن سرمای کشنده^۱ که در تهران هیچ پیشینه نداشت، برف بلند را می‌کوبید و پیش می‌رفت یا برف کوبیده را بیش می‌کوبید؛ قباي خویش به خود پیچان، تنها، تنها.

معنی روان ۱ کنایه از سرمای شدید ۰/۲۵ در اینجا، نماد «خفقان و استبداد حاکم بر جامعه» است.

۲ کنایه از مسیر تازه‌ای برای مبارزه بازمی‌کرد. ۰/۲۵

۳ کنایه از راه مبارزان پیشین را ادامه می‌داد. ۰/۲۵

مفهوم ۱ حاکمیت ظلم و خفقان ۲ بیمودن راه ناهموار و سخت مبارزه، به تنهایی و با شیوه‌ای نوین

طلّاب دیگر، چند چند با هم می‌رفتند و در این گروهی رفتن، گرمایی بود. تنگ هم، گفت و گوکنان اقا طلبة جوان ما - حاج آقا روح الله موسوی - به خویش بود و بس.

معنی روان ۱ در این اتحاد و همراهی، همدلی و صمیمیتی وجود داشت. ۰/۲۵

۲ کنایه از تنها بودن و استقلال رأی داشتن ۰/۲۵

مفهوم وجود صمیمیت و همدلی در بین طلّاب

حاج آقا روح الله از میدان مخابراتی که گذشت، بخشی از شاه‌آباد را طی کرد؛ به کوچه مسجد پیچید، به در خانه حاج آقا مدرّس رسید و ایستاد. در گشوده نبود اقا کلون هم نبود. حاج آقا در را قدری فشار داد. در گشوده شد. طلبة جوان با به درون آن حیاط محقر گذاشت و به خود گفت: «خوب است که نمی‌ترسد. خوب است که خانه‌اش محافظی ندارد و در خانه‌اش چفت و کلونی؛ اقا او را خواهند کشت، همین‌جا خواهند کشت. رضاخان او را خواهد کشت، انگلیسی‌ها او را خواهند کشت. چقدر آسان است که با یک تپانچه وارد این حیاط شوند، به جانب آن اتاق بروند و تیری به قلب مدرّس شلیک کنند. قلب یا مغز؟ خدایا، چرا هنوز بعد از بیست و دو سال، بیست و دو سال ... ذهن من این مسئله را نگشوده است؟ به قلب پدر شلیک کردند یا به مغزش؟ چرا مادر می‌گفت: «قرآن جیبی‌اش به اندازه یک سگه سوراخ شده بود» و چرا سیدی می‌گفت: «صورت که نداشت، آقا! سر هم، نیمی ...» آقا روح الله باز گیر افتاده بود؛ کدام یک مهم‌تر از دیگری است؟ حاج آقا مدرّس با کدام یک از این دو بیشتر کار می‌کند؟ قلب یا مغز؟ کدام را ترجیح می‌دهد؟

معنی روان ۱ کنایه از سردرگمی و دچار مشکل شدن ۰/۲۵

۲ «قلب» مجاز از «احساس و عاطفه» ۰/۲۵ «مغز» مجاز از «عقل و اندیشه» ۰/۲۵

«-آقایان محترم! علما! روحانیون حوزه‌ها! با مغزهایتان با حکومت طرف شوید، با قلب‌هایتان با خدا، اینجا، حساب کنید، بسنجید، اندازه بگیرید، چرتکه بیندازید؛ چرا که یا چرتکه اندازان بد نهاد رویه رو هستید اقا آنجا با قلب‌هایتان، با خلوصتان، با طهارتتان، تسلیم تسلیم با خدا رویه رو شوید. اینجا، به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیر شده باشید. اینجا، همه‌اش، در پرده بمانید؛ آنجا، در محضر خدا، پرده‌ها را بردارید...»

معنی روان ۱ با عقل و اندیشه با حکومت پهلوی رویه رو شوید و با عشق و احساسات با خداوند. ۰/۲۵

۲ اینجا (در رویارویی با حکومت) عاقلانه و حساب‌شده رفتار کنید؛ ۰/۲۵ زیرا با حاکمان حساگر و بذات رویه رو هستید. ۰/۲۵

۳ اینجا به هیچ وجه تسلیم نشوید ۰/۲۵ [آقا] آنجا، در برابر خداوند متواضع و فروتن باشید. ۰/۲۵

۴ اینجا، همواره پنهانی و با احتیاط رفتار کنید ۰/۲۵ [آقا] آنجا در پیشگاه خداوند، خالصانه و صادقانه عمل کنید. ۰/۲۵

مفهوم ۱ توصیه به مبارزه آگاهانه و حساب‌شده با حکومت ظلم ۲ دعوت به تواضع و خلوص قلب در پیشگاه خداوند

ایستگاه سؤال

درس ۱ ← لطف خدا / نیکی / همت

قلمرو فکری - معنی شعر و نثر

الف

معنی هر یک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

خرداد ۱۴۵۴

که نیکی رساند به خلق خدای

خرداد ۱۴۵۴ - خراج

خرداد ۱۴۵۳

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۵۳

همه ادب‌ها اقبال گردد
بماند تا ابد در تیره‌رای
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
مینداز خود را چو روباه شل
نه از تدبیر کار آید نه از رای

موری را دیدند که به زورمندی، کمر بسته و ملخی ده برابر خود برداشته.

مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

کسی نیک بیند به هر دو سرای
یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
بگیر ای جوان، دست درویش پیر
زن‌خندان فرو برد چندی به جیب
نژند آن دل که او خواهد نژندش
گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
فروماند در لطف و صنع خدای
گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت
اگر لطفش قرین حال گردد
خرد را گر نبخشد روشنائی
نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
شغال نگون‌بخت را شیر خورد
چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
برو شیر درنده باش، ای دغل
وگر توفیق او یک‌سو نهد پای

۱۵۴۹

۱۵۵۰

۱۵۵۱

۱۵۵۲

۱۵۵۳

۱۵۵۴

۱۵۵۵

۱۵۵۶

۱۵۵۷

۱۵۵۸

۱۵۵۹

۱۵۶۰

۱۵۶۱

۱۵۶۲

۱۵۶۳

۱۵۶۴

۱۵۶۵

قلمرو فکری - درک مطلب

ب

معنا و مفهوم موارد مشخص شده را بنویسید.

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

قطره باران ما گوهر یکدانه شد

نه خود را بیفکن که دستم بگیر

برو شیر دژتده باش، ای دغل

چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

کزین پس به کنجی نشینم چو مور

یکی روبهی دید بی دست و پای

در این بود درویش شوریده رنگ

شد و تکیه بر آفریننده کرد

به ترتیبی نهاده وضع عالم

وگر توفیق او یک سو نهد پای

خرد را گر نبخشد روشنائی

بخور تا توانی به بازوی خویش

به پرسش های زیر پاسخ دهید.

مصرع دوم بیت زیر چه مفهومی دارد؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم

مفهوم مشترک بیت های زیر را بنویسید.

الف) چه در کار و چه در کار آزمودن

ب) بخور تا توانی به بازوی خویش

مفهوم کلی سروده زیر را بنویسید.

«سحر دیدم درخت ارغوانی

به گوش ارغوان آهسته گفتم؛

با توجه به بیت «گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی مغز و پوست» به پرسش های زیر پاسخ دهید.

الف) مقصود شاعر از ترکیب «بی مغز و پوست» چیست؟

ب) سعدی، چه کسانی را «اهل بخشش و گرم» می داند؟

در بیت زیر، شاعر چه فخری را مایه تنگ و عار می داند؟

«فخری که از وسیلت دون همتی رسد

شاعر در بیت زیر، به چه نکته مهمی در آفرینش الهی اشاره دارد؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم

گزینه درست را انتخاب کنید.

بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» با کدام یک از گزینه های زیر تناسب معنایی دارد؟

(۱) کمال گرایی عقل

(۲) تقابل همیشگی عقل و عشق

(۳) اظهار عجز از شناخت خدا

مفهوم بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» با کدام یک از گزینه های زیر تناسب معنایی دارد؟

(۱) قهر و غضب خداوند

(۲) شجاعت خداوند

(۳) نظام احسن آفرینش

که روزی نخوردند پیلان به زور

فروماند در لطف و صنوع خدای

که شیری برآمد، شغالی به چنگ

که نی یک موی باشد بیش و نی کم

نه از تدبیر کار آید نه از رای

بماند تا ابد در تیره راییی

که سعیت بود در ترازوی خویش

شبه نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

که نی یک موی باشد بیش و نی کم»

نباید جز به خود محتاج بودن

که سعیت بود در ترازوی خویش

کشیده سر به بام خسته جانی

بهارت خوش که فکر دیگرانی»

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خراج

اگر ابیات زیر را بر اساس مفاهیم «قطعیت ظهور منجی - حاکمیت اراده خداوند - انکار حقیقت - روشنگری و امیدبخشی شهدا» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (الف) از آن‌ها که خورشید فریادشان
(ب) منکر آیین‌ها باشد چشم کور
(پ) ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید
(ت) ای داور زمانه، ملوک زمانه را
- (۱) پ، ت، الف، ب (۲) الف، ب، ت، پ (۳) پ، ب، ت، الف (۴) پ، ت، ب، الف

کدام گزینه، با بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق» تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
(۲) تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتم
(۳) از من مدار چشم خموشی که وقت گل
(۴) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است
- مفهوم کدام گزینه با بیت «بی‌تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی / عشق اتفاقی خبر از شنبه و آدینه دارد» متناسب نیست؟
- (۱) به هجر و وصل، مرا تاب آرمدن نیست
(۲) آهی که عاشقانت از حلق جان برآرند
(۳) مستان ز قید شنبه و آدینه فارغانند
(۴) صبح بی‌تو رنگ بعدازظهر یک آدینه دارد
- کدام بیت، با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

- «خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
(۱) به گناه عشق کشتیم و هنوز برنگشتیم
(۲) هر جا که حسن معشوق سرگرم جلوه گردد
(۳) عشق‌بازی کار بیکاران بود
(۴) از در و دیوار می‌بارد بلا در راه عشق
- عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد»
زارادتی که بودم ز محبتی که هستم
جز عاشقی میندار کار دگر توان کرد
عقلش با کار بیکاران چه کار؟
یک سرابم پیش ره نامد که توفانی نداشت

درس ۱۲ کاوه دادخواه / کاردانی

قلمرو فکری - معنی شعر و نثر

الف

معنی هریک از بیت‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

بر او سالیان انجمن شد هزار

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

بدیدندش آنجا و برخاست غو

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

دل از بند ضحاک بیرون کند

دی ۹۸

که برگوی تا از که دیدی ستم؟

خرداد ۹۶ و ۲ بار تکرار

بدان تا جهان ماند اندر شگفت

دی ۹۶ و ۹۰

کشید اژدها را به تنگی فراز

نباشم بدین محضر اندر گوا

بر او انجمن گشت بازارگاه

چو ضحاک بر تخت شد شهریار

بیامد به درگاه سالار نو

کسی کاو هوای فریدون کند

بدو گفت مهتر به روی دژم

شماریت با من بیاید گرفت

۱۹۸۱	تو شاه‌ی و گـر اژدها پیکـری؟	ببایـد زدن داسـتان، آوری
۱۹۸۲	سـوی لشـکر آفریـدون شـدند	ز نزدیـک ضحاک بیـرون شـدند
۱۹۸۳	زور داری چـون نـداری علـم کار	لاف آن نتـوان بـه آسـانی زدن
۱۹۸۴	بدریـد و بسـپرد محضـر بـه پای	
۱۹۸۵	نـهان گـشت کـردار فرزانـگان	
۱۹۸۶	ز شاه آتـش آید همـی بر سر	
۱۹۸۷	کـه بر بخـردان ایـن سخـن روشن اسـت	
۱۹۸۸	بـه خوبـی بچـستند پیـوند اوی	
۱۹۸۹	همـه سـوی دوزخ نـهادیـد روی	
۱۹۹۰	نـه هرگـز براندیشـم از پادشـا	
۱۹۹۱	سپاهـی بر او انجـمن شـد نـه خـرد	
۱۹۹۲	جـهان پـیش ضحاک وارونـه دید	
۱۹۹۳	بزد بر سرش، تـرگ بشکـست خـرد	
۱۹۹۴	پزشکان فرزانه از عهدۀ علاج برنمی‌آیند.	
۱۹۹۵	هر شب دو مرد را از کهتران یا مهترزادگان به دیوان او می‌برند و جانشان را می‌گیرند.	
۱۹۹۶	روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند.	
۱۹۹۷	علم در همه بایی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.	
۱۹۹۸	استعداد مجرّد، جز حسرت روزگار نیست.	

قلمرو فکری - درک مطلب

ب

در موارد زیر، معنی و مفهوم قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید.

روزگاری که کاوه و هزاران تن دیگر را ناگزیر به بهای جان خویش به نافرمانی و قیام برانگیخت.	۱۹۹۹
ز هر کشوری مهتران را بخواست	۲۰۰۰
خروشید و زد دست بر سر ز شاه	۲۰۰۱
خروشید و برجست لـرزان ز جای	۲۰۰۲
سر اندر کشید و همی‌رفت راست	۲۰۰۳
و در غاری که «بُـنـش ناپدید» بود، سرنگون آویخت.	۲۰۰۴
با جوانان چو دست بگشادی	۲۰۰۵

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

با توجّه به دو بیت زیر، جاهای خالی را کامل کنید.	۲۰۰۶
«خروشید کای پامردان دیو و	
همه سوی دوزخ نهادید روی	
کاوه معتقد است که پامردان دیو از دل بریدند و به دل سپردند.	
با توجّه به دو بیت زیر، جاهای خالی را کامل کنید.	۲۰۰۷
«چنان بُد که ضحاک را روز و شب	
ز هر کشوری مهتران را بخواست	

خرداد ۹۸

شهریور ۹۸

دی ۹۵ و خرداد ۹۳

خرداد ۱۴۰۴

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

قلمرو فکری - درک مطلب

ب

در موارد زیر، مفهوم قسمت‌های مشخص‌شده را بنویسید.

طلاب جوان، در عرض پیاده‌رو در کنار هم، همه سر بر جانبِ حاج آقا روح‌الله گردانده، می‌رفتند - در سکوت - و نگیان کرده بودند او را.

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴ و خرداد ۹۴

آقایان محترم! علما! با مغزهایتان با حکومت طرف شوید. اینجا به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیرشده باشید. شهریور ۹۵

چه شده که این شاگرد شیطان، برخلاف همیشه ته کلاس نشسته است، نکند کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه باشد.

قوطی حلبی عینک را در جیب گذاشتم و سرخوش از دیدار دنیای جدید به مدرسه رفتم.

اینجا، حساب کنید، بسنجید، اندازه بگیرید، چرتکه بیندازید؛ چرا که با چرتکه اندازان بدنهاد روبه‌رو هستید.

مدرس به طلاب هنوز ایستاده گفت: می‌بینم که در جا می‌جنبید اما جرئت ترک مجلس مرا ندارید ...

در عبارت‌های زیر، منظور از قسمت‌های مشخص‌شده چه کسانی هستند؟

... اما این غول بی‌شاخ و دم که معلوم نیست از کدام جهنمی ظهور کرده و چطور او را - از درباری سفارت آلمان - به اینجا رسانده‌اند.

شما در سنگر مشروطیت ایستاده‌اید اما یکی از رهبران ما، سال‌ها پیش، از مشروعتت سخن گفته است و در اسلام، شرع مقدم بر شرط است.

امروز، سلطان درمانده قاجار، در آستانه سقوط نهایی، تازه متوجه شده است که خوب است سلطنت کند نه حکومت!

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

خرداد ۱۴۰۴

مفهوم عبارت «در مقابل این قَد دراز، چشم سو نداشت.» چیست؟

خرداد ۱۴۰۴ - خارج

مفهوم عبارت «آقای مدیر و آقای ناظم و آقای معلم عربی، کمیسیون کردند.» چیست؟

شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴

مفهوم عبارت «آقا! کلام خام، بدتر از طعام خام است.» را بنویسید.

گوینده در عبارت «متلکی می‌گفت که دو برادری مثل غلم یزید می‌مانید. دراز دراز، می‌خواهید بروید آسمان، شوربا بیاورید.» کدام ویژگی

خرداد ۱۴۰۳ و شبه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۳

ظاهری را مورد انتقاد قرار می‌دهد؟

با توجه به عبارت «این دو روحانی جوان هیچ شباهتی به هم نداشتند. آدمی‌زاد می‌توانست به نگاه آن یکی تکیه کند و می‌توانست نگاه

این یکی را در جلّه کمان بنشانند و به سوی دشمن پرتاب کند.» نویسنده چه تفاوتی در نگاه امام خمینی و برادرش می‌بیند؟

خرداد ۹۸ و ۲ بار تکرار

در عبارت «طلبه جوان، قدری به همه سو خمید و رفت تا باز برف‌های نکوبیده را بکوبد» مقصود از «برف‌های نکوبیده را بکوبد» چیست؟

خرداد ۹۷

دی ۹۷ و ۲ بار تکرار

مفهوم جمله «مدرس همیشه پاسخ را در آستین داشت» چیست؟

با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«مدرس، مدت‌ها بود که با این ضربه‌ها آشنایی داشت و با درد این ضربه‌ها و به همین دلیل، همیشه پاسخ را در آستینش داشت. طلبه

جوان قدری به همه سو خمید و رفت تا باز برف‌های نکوبیده را بکوبد.»

الف) مقصود نویسنده از «ضربه‌ها» چیست؟

ب) منظور از عبارت «قدری به همه سو خمید» چیست؟

در عبارت «می‌بایست که به حداقل پختگی می‌رسیدند، آقا! کلام خام بدتر از طعام خام است.» منظور از «کلام خام» سخن نسنجیده است.

خرداد ۹۵

درست

خرداد ۹۲

درست

خرداد ۹۴

جمله «من فلا کردم» یعنی «شیطنت کردم».

مفهوم عبارت زیر را بنویسید.

«اینجا به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیرشده باشید.»

دی ۹۴

در عبارت زیر، منظور از «در لاتی کار شاهان را می‌کرد» چیست؟

«پدرم دریادل بود، در لاتی کار شاهان را می‌کرد.»

با توجه به متن «مادر می‌گفت: قرآن جیبی‌اش به اندازه یک سگه سوراخ شده بود و چرا سیدی می‌گفت: صورت که نداشت، آقا! سر هم،

دی ۹۲

نیمی ...» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

الف) منظور از «آقا» کیست؟

ب) این عبارت اشاره به چه موضوعی دارد؟

تاریخ ادبیات قلمرو ادبی

تمام دروس کتاب
به جز درس‌های آزاد

نمره



که در متن برخی درس‌ها به آن‌ها
اشاره شده است.

منابع مطالعه

نام آثار و صاحبان آن‌ها (شاعران
و نویسندگان) که در پایان هر
درس آورده شده است + آثاری

نوع حفظی

محتوا تاریخ ادبیات

تنوع تیپ سؤال ۶ گونه

بارم در آزمون نهایی ۱ نمره

انواع ادبی آثار نیز سؤال طرح
کنند.

۳ بارم تاریخ ادبیات در امتحان
نهایی یک نمره است و شما
می‌توانید با خواندن جدول تاریخ
ادبیات در کتاب حاضر به راحتی
این یک نمره را کسب کنید و
دغدغه‌ای درباره این بحث
نداشته باشید.

این قسمت‌ها را هم مدنظر قرار
داده‌اند.

۲ توضیحاتی که در کارگاه‌های
متن‌پژوهی درباره شاعر، نویسنده
یا یک جریان ادبی آورده شده
است نیز حائز اهمیت است و
باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشته
باشید. دانستن نوع یا گونه‌های
ادبی آثار هم مهم است و ممکن
است طراحان محترم، با توجه
به سرفصل‌های کتاب درسی، از

۱ تاریخ ادبیات بخشی از قلمرو
ادبی است که در نظام آموزشی
جدید به نام آثار و پدیدآورندگان
آن‌ها محدود شده است. نام اثر
و صاحب اثر در پایان هر درس
آورده شده است؛ البته در مواردی
محدود نام یک اثر یا صاحب اثری
در خلال متن درس آمده است که
باید آن‌ها را نیز به حافظه بسپارید؛
زیرا تجربه امتحان نهایی نشان
داده است که طراحان محترم،

راهنمای
مطالعه

فهرست درس به درس آثار و شخصیت‌های ادبی فارسی (۲)

نام درس	نام اثر	پدیدآورنده	قالب اثر	گونه ادبی
۱	لطف خدا	فرهاد و شیرین	مثنوی	ادبیات غنایی
	نیکی	بوستان	مثنوی	ادبیات تعلیمی
	هفت	بهارستان	نثر مسجع	ادبیات تعلیمی
۲	قاصی بُست	تاریخ بیهقی	نثر	ادبیات تعلیمی
	زاغ و کبک	تحفة الاحرار	مثنوی	ادبیات تعلیمی
۳	در امواج سند	شعر «در امواج سند»	مهدی حمیدی شیرازی	ادبیات پایداری
	چو سرو باش	گلستان	سعدی	ادبیات تعلیمی
	آغازگری تنها	عباس میرزا، آغازگری تنها	مجید واعظی	ادبیات پایداری
۵	تا غزل بعد	زندان موصل (خاطرات اسیر آزادشده، اصغر ریاط‌جری)	کامور بخشایش	ادبیات پایداری
	پرورده عشق	لیلی و مجنون	مثنوی	ادبیات غنایی
۶	مردان واقعی	تذكرة الاولیا	عطار	ادبیات غنایی (شرح حال)
	باران محبت	مرصاد العباد من المبدأ الى القعاد	نثر	ادبیات غنایی
۷	آفتاب حُسن	غزلیات شمس	جلال الدین محمد مولوی	ادبیات غنایی
	در کوی عاشقان	زندگانی جلال الدین محمد مشهور به مولوی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
	چنان باش ...	اسرار التوحید	محمد بن منور	ادبیات غنایی (شرح حال)
۹	ذوق لطیف	روزها	دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	ادبیات سفر و زندگی
	میثاق دوستی	میثاق دوستی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
	بانگ جَزَس	شعر «بانگ جَزَس»	حمید سبزواری	ادبیات انقلاب اسلامی
۱۰	به یاد ۲۲ بهمن	به یاد ۲۲ بهمن	نثر	ادبیات انقلاب اسلامی
	یاران عاشق	هم صدا با خلق اسماعیل	مثنوی	ادبیات انقلاب اسلامی
۱۱	صبح بی تو	شعر «صبح بی تو»	قیصر امین‌پور	ادبیات انقلاب اسلامی
			غزل	

ایستگاه سؤال

جای خالی (پرکردنی)

الف

- در عبارت‌های زیر، جاهای خالی را به درستی پر کنید.
- بیت «گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق‌تر از این کنم که هستم» برگرفته از منظومه داستانی «لیلی و مجنون» است؛ قالب شعری آن است. **۲۲۴۵**
 خرداد ۱۴۰۳
- کتاب «سه دیدار» که ویژگی‌های شخصیت امام خمینی (ره) را بیان می‌کند، نوشته است. **۲۲۴۶**
 سه‌نهایی - اردیبهشت ۱۴۰۴
- کتاب «روزها» اثر است. **۲۲۴۷**
- باذل مشهدی در کتاب به توصیف رشادت‌های حضرت علی (ع) پرداخته است. **۲۲۴۸**
 خرداد ۱۴۰۴ - خارج
- غلامحسین یوسفی در کتاب به تحلیل داستان «گاوه دادخواه» پرداخته است. **۲۲۴۹**
 خرداد ۱۴۰۴
- متن زیر، برگرفته از کتاب نوشته «ریچارد باخ»، ترجمه است. **۲۲۵۰**
- «آذرباد آهی کشید. افسوس، آن‌ها هنوز او را خوب درک نکرده بودند. با خود می‌اندیشید: وقتی کسی هدفی غیر از آنچه همه دارند، دنبال کند، می‌گویند یا خداست یا شیطان.»
- شعر «در امواج سند» در قالب سروده شده است. این قالب شعری، بیشتر برای طرح مضامین و به کار می‌رود و رواج آن، از دوره بوده و تاکنون ادامه یافته است. **۲۲۵۱**
- کتاب «پیامبر و دیوانه» اثر است. **۲۲۵۲**
- بند زیر، بیانگر تأثیرپذیری «گوته» از است. **۲۲۵۳**
- «هر نفسی را دو نعمت است؛ / دم فرو دادن و برآمدنش؛ / آن یکی مُمدّ حیات است، این یکی مفرّج ذات»
- بهترین یادگار ایام همدمی مولانا با این یاران، به ویژه با حسام‌الدین، سرودن کتاب گران بهای است که یکی از عالی‌ترین آثار ادبی ایران و اسلام است. **۲۲۵۴**
- از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا، و بودند. **۲۲۵۵**
- حسام‌الدین از مولانا درخواست نمود کتابی به طرز سنایی یا «منطق‌الطیر» به نظم آرد. **۲۲۵۶**
- شعر «زاغ و کبک» برگرفته از کتاب اثر جامی است. **۲۲۵۷**
- با خواندن شعر «نیکی» برگرفته از کتاب به ضرب‌المثل «از تو حرکت، از خدا برکت» پی می‌بریم. **۲۲۵۸**
- منظومه «فرهاد و شیرین» سروده است. **۲۲۵۹**
- جامی، کتاب را به نثر (منثور) نوشته است. **۲۲۶۰**

- ۲۲۶۱ کتاب به قلم در بیان خاطرات اسیر آزادشده، اصغر ریاط‌جزی، نوشته شده است.
- ۲۲۶۲ کتاب سرودهٔ رابیندرانات تاگور است.
- ۲۲۶۳ کتاب «زندگانی جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی» نوشتهٔ است.
- ۲۲۶۴ داستان «کبوتر طوق‌دار» برگرفته از کتاب ترجمهٔ است.

انتخابی (درست - نادرست / گمانگی / وصل گردنی)

ب

پاسخ درست را مشخص کنید.

←

- ۲۲۶۵ در میان آثار زیر، نام پدیدآورندهٔ دو اثر در مقابل آن‌ها **نادرست** نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید.
 «فرهاد و شیرین: نظامی / شلواری‌های وصله‌دار: رسول پرویزی / مرصادالعباد: نجم‌الدین رازی / غزلیات شمس: شمس تبریزی / جوامع الحکایات و لوامع التروایات: محمد عوفی»
 کدام دو اثر از یک نویسنده یا یک شاعر است؟
- ۲۲۶۶ «سه دیدار / شلواری‌های وصله‌دار / تذکرة الاولیا / هم‌صدا با حلق اسماعیل / تحفة الاحرار / روضة خلد / بهارستان»
 از بین آثار زیر، به‌ترتیب، یک اثر از «نادر ابراهیمی» و یک اثر از «گوته» بیابید.
- ۲۲۶۷ «ماه نو و مرغان آواره / حملهٔ حیدری / دیوان غربی - شرقی / روزها / سه دیدار»
 در بین آثار زیر، نام پدیدآورندهٔ دو اثر در مقابل آن‌ها درست نوشته شده است؛ آن دو را مشخص کنید.
- ۲۲۶۸ «غزلیات شمس: شمس تبریزی / تذکرة الاولیا: عطار / هم‌صدا با حلق اسماعیل: قیصر امین‌پور / عباس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی / بهارستان: سعدی»
- ۲۲۶۹ از بین آثار زیر، به‌ترتیب، یک اثر از «وحشی بافقی» و یک اثر از «دکتر اسلامی ندوشن» بیابید.
- ۲۲۷۰ «لیلی و مجنون / شلواری‌های وصله‌دار / روزها / اسرار التوحید / فرهاد و شیرین»
 درستی یا نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

←

- ۲۲۷۰ مؤلف کتاب «کلیله و دمنه» نصرالله منشی و مؤلف کتاب «روزها» محمدعلی اسلامی ندوشن است. درست / نادرست
- ۲۲۷۱ «بهارستان» از جامی و «اسرارالتوحید» از محمدبن منور است. درست / نادرست
- ۲۲۷۲ «روضة خلد» اثر مجد خوافی است. درست / نادرست
- ۲۲۷۳ کتاب «کلیله و دمنه» را «ابوالمعالی نصرالله منشی» تألیف کرده است. درست / نادرست
- ۲۲۷۴ درستی یا نادرستی موارد زیر را با توجه به آثار و مؤلف آن‌ها مشخص کنید.
 الف) غزلیات شمس: جلال‌الدین محمد مولوی
 ب) هم‌صدا با حلق اسماعیل: حمید سبزواری
 پ) زندان موصل (خاطرات اسیر آزاد شده، کامور بخشایش): اصغر ریاط جزی
 لیلی و مجنون، اثری دیگر از صاحب کتاب «بهارستان» می‌باشد.
- ۲۲۷۵ درست / نادرست
- ۲۲۷۶ هر سه شاعر (فریدون مشیری، ملک‌الشعرا بهار و فریدون تولی) چهارپاره‌سرا هستند. درست / نادرست
- ۲۲۷۷ شمس تبریزی را به دلیل سیر و سفر و البته جست‌وجو و پرواز در عالم معنا، «شمس پرنده» می‌گفتند. درست / نادرست
- ۲۲۷۸ از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا، سعدی و فخرالدین عراقی بودند که ظاهراً هیچ‌یک با وی دیدار درست / نادرست
- ۳۶۲

حفظ شعر قلمرو ادبی

نمره

دروس ۲-۷-۱۱-۱۴



نوع حفظی
محتوا شعرخوانی

تنوع تیپ سؤال ۳ گونه
بارم در آزمون نهایی ۱ نمره

منابع مطالعه
شعرخوانی‌های کتاب درسی

راهنمای
مطالعه

۱ یکی دیگر از مباحث قلمرو ادبی «حفظ شعر» است و همان‌طور که از نامش پیداست، مقوله‌ای حفظی است. در کتاب درسی فارسی (۲)، چهار شعرخوانی

لحاظ شده است که باید آن‌ها را به‌طور کامل به حافظه بسپارید تا بتوانید به پرسش‌های این بخش پاسخ دهید.

۲ بarm حفظ شعر در امتحان نهایی یک نمره است و شما صرفاً با حفظ کردن اشعار و تکرار چندبارۀ آن‌ها می‌توانید به راحتی بarm این بخش را کسب کنید.

شعرخوانی ۱ زاغ و کبک

- | | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| زاغی از آنجا که فراغی کنید | رخت خود از باغ به راغی کشید |
| دید یکی عرصه به دامن کوه | عرضه ده فطن پنهان کوه |
| ندیده سگی به جمال تمام | شاهد آن روضه فیروزنظام |
| هم حرکاتش متناسب به هم | هم خطواتش مستقرب به هم |
| زاغ چو دید آن ره و رفتار را | و آن روش و جنبش هموار را |
| باز کشید از روش خویش پای | در پی او کرد به تقلید جای |
| بر قدم او قدمی می کشید | وز قلم او رقی می کشید |
| در پی اش اقتضه در آن مرغزار | رفت بر این قاعده روزی سه چادر |
| عاقبت از خامی خود سوخته | رهروی کبک نیاموخته |
| کرد فراموش ره و رفتار خویش | ماند غرانت زده از کار خویش |

تخته‌الاحرار، جامی

کدام گزینه، تکمیل‌کننده بیت زیر است؟

- ۲۳۶۰ «هم حرکاتش به هم هم خطواتش به هم»
(۱) متناسب - متقارب
(۲) متناسب - متناسب

شعرخوانی ۲ آفتاب حسن

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

با توجه به شعرخوانی «آفتاب حسن»، در بیت زیر، برخی واژه‌ها جابه‌جا شده‌اند؛ آن‌ها را در جای خود قرار دهید.
«دی شیخ همی‌گشت با چراغ گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسلانم آرزوست»
مصرع دوم بیت زیر را با توجه به کلمات به هم ریخته، مرتب کنید و بنویسید.

«گفتنت - آن - آرزوست - که - مرنجانم - بیش»
«گفتی ز ناز - بیش مرنجان مرا، برو»

مصرعی از شعر «آفتاب حسن» را بنویسید که در آن واژه «سست عناصر» وجود دارد.

آیا مصرع دوم بیت زیر، به درستی ذکر شده است؟
«ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر»

جاهای خالی را با مصرع‌های مناسب پر کنید.

.....
گفتند یافت می‌نشود، جسته‌ایم ما
.....
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
.....
کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

گزینه درست را انتخاب کنید.

مصرع دوم بیت زیر کدام گزینه است؟

«زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت»
(۱) کز دیو و دد ملولم و انسلانم آرزوست
(۲) کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
(۳) شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
(۴) آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

مصرع دوم کدام بیت، نادرست است؟

(۱) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست
(۲) گفتی ز ناز «بیش مرنجان مرا، برو»
(۳) کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
(۴) آن گفتنت که «بیش مرنجانم» آرزوست

شعرخوانی ۳ صبح بی‌تو

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

با توجه به شعر «صبح بی‌تو» بیتی بنویسید که قافیه آن واژه‌های «آدینه و کینه» باشد.

مصرع اول بیت زیر به صورت نامرتب آمده است؛ آن را مرتب کنید.

انکار - جفد - اقا - می‌خواند - به - ویرانه - بر - تو
با توجه به شعرخوانی «صبح بی‌تو»، در بیت زیر برخی واژه‌ها جابه‌جا شده‌اند؛ آن‌ها را در جای خود قرار دهید.
«در هوای بی‌قراری پر می‌گشتد با عاشقان آن کبوتر زخمی که او در چاه سینه دارد»

مصرع دوم بیت زیر به صورت نامرتب آمده است؛ مرتب شده آن را بنویسید.

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید
در - آن - شهر - آینه - که - پر - کلید - دستش - دارد
آیا مصرع دوم بیت زیر، به درستی ذکر شده است؟
«صبح بی‌تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد»
عشق اقا کی خبر از شنبه و آدینه دارد

جاهای خالی را با مصرع‌های مناسب پر کنید.

.....
ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید
.....

آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد



قسمت اول
پاسخ تشریحی
ایستگاه سوالات

قسمت دوم
پاسخ کارگاههای متن پژوهی
تمام دروس کتاب درسی

قسمت سوم
چهار نمونه
امتحان نهایی با پاسخ

بخش ۵

قسمت اول

پاسخ تشریحی ایستگاه سوالات

بخش اول دستور زبان



- ۱۴ نادرست؛ فعل «است» در این بیت، فعل کمکی (مُعین) است.
فعل در مصراع اول ← گشاده‌ست (ماضی نقلی)
فعل در مصراع دوم ← داده‌ست (ماضی نقلی)
۱۵ درست؛ فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.
نادرست؛ رابطه معنایی «جنگ و صلح» تضاد است.
نادرست؛ رابطه معنایی «مهر و محبت» ترادف است.
نادرست؛ رابطه معنایی «گل و خار» تضاد است.
نادرست؛ رابطه معنایی «تار و عنکبوت» تناسب است.
نادرست؛ رابطه معنایی «زندگی و حیات» ترادف است.
۲۱ گزینه «۲»؛ زیرا در این بیت، «چو» به معنی «وقتی‌که» به کار رفته و نشانه جمله وابسته و مرکب است.
۲۲ گزینه «۴»؛ در این گزینه «شد» در معنای «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.
۲۳ گزینه «۳»؛ در این گزینه، فعل «شد» در معنی «رفت» به کار رفته و غیراسنادی است.
۲۴ گزینه «۳»؛ در این گزینه، «شد» در معنای «رفت» به کار رفته و بنابراین غیراسنادی است.
۲۵ گزینه «۲»؛ رابطه معنایی واژگان در سایر گزینه‌ها «تضمن» و در این گزینه «تضاد» است.
۲۶ گزینه «۳»؛ در این گزینه، «می‌گشت» در معنای «جست و جومی‌کرد» غیراسنادی است، در حالی که در سایر گزینه‌ها اسنادی است.
۲۷ گزینه «۲»؛ در این گزینه، رابطه معنایی واژه‌ها، دو به دو، «ترادف» است اما در سایر گزینه‌ها، «تضمن» است.
۲۸ گزینه «۲»؛ زیرا در این بیت، پیوند وابسته‌ساز وجود ندارد.

- ۱ حرف «و» ← ... نشانه مردانگی است و اینکه او به عهدی ...
۲ حرف «یا» ← ... می‌گویند یا خداست یا شیطان.
۳ **توجه** حرف «یا» در این عبارت به شکل «مزدوج» به کار رفته است.
۴ حرف «اما» ← ... ازو خواست دستوری **اما** ندید
۵ حرف «هم» ← هم حرکاتش متناسب به هم [بود] / هم خطواتش متقارب به هم [بود]
۶ حرف «اگر» در مصراع اول
۷ حرف «که» در مصراع اول ← چنان سعی کن **کز** تو ماند چو شیر
۸ حرف «چو» در مصراع اول (به معنی: وقتی‌که)
۹ حرف «تا» در مصراع دوم
۱۰ «هنگامی‌که» در مصراع اول
۱۱ درست
۱۲ **الف** نادرست؛ «چو» در بیت اول حرف ربط و در بیت دوم حرف اضافه است.
۱۳ **ب** درست؛ هر دو صفت هستند.
۱۴ درست؛ در این بیت فعل «شد» به قرینه معنایی محذوف است؛ «زره لخت لخت [شد] و قبا چاک چاک [شد] / سر و روی مردان پر از گرد و خاک [شد]»
۱۵ **توجه** «و» در مصراع دوم، حرف «عطف» است.
۱۶ نادرست؛ در این بیت «چو» در معنی «مثل و مانند» به کار رفته و حرف اضافه است.

بخش دوم آرایه‌های ادبی



گزینه «۱»: آفتاب حُسن	۵۵۲
گزینه «۲»	۵۵۳
● بررسی سایر گزینه‌ها:	
گزینه «۱»: تشبیه بازو به شاخه درخت	
گزینه «۳»: شاهد آرزو (اضافه تشبیهی)	
گزینه «۴»: تشبیه او (عمرو) به کوه	
گزینه «۳»: در این گزینه، «رخ یار» (مشبّه) به «باغ و گلستان» (مشبّه‌به) و «لب یار» به «قند» تشبیه شده است. ← تشبیه پنهان (مُضمّر)	۵۵۴
● بررسی سایر گزینه‌ها:	
گزینه «۱»: وجه شبه: دژنده بودن و انداختن خود	
گزینه «۲»: وجه شبه: به کنجی نشستن	
گزینه «۴»: وجه شبه: رگ و استخوان و پوست ماندن	
گزینه «۲»: در این گزینه، «چنبر نفس» اضافه استعاری است. (نفس مانند ماری است که حلقه (چنبر) می‌زند).	۵۵۵
● بررسی سایر گزینه‌ها:	
گزینه «۱»: شراب عشق	
گزینه «۳»: قفل تیرگی	
گزینه «۴»: خورشید فریاد	
گزینه «۴»: یعنی «مشبه»	۵۵۶
«جهان» مجاز از «مردم جهان»	۵۵۷
«بازار» مجاز از «اهل بازار»	۵۵۸
«اروپا» مجاز از «کشورهای اروپایی»	۵۵۹
«کلاس» مجاز از «دانش‌آموزان کلاس»	۵۶۰
«زین» مجاز از «اسب»	۵۶۱
«خاک» مجاز از «سرزمین»	۵۶۲
«چشمان» مجاز از «نظر و عقیده»	۵۶۳
«روز و شب» مجاز از «همیشه و همه وقت»	۵۶۴
«سر» مجاز از «انسان» / «مغز» مجاز از «فکر و اندیشه»	۵۶۵
الف) «باران تیر»: مشبّه: تیر / مشبّه‌به: باران	۵۶۶
ب) «دریای خون» استعاره از «میدان نبرد»	
پ) «یولاد» مجاز از «شمشیر»	
الف) «سعدی» مجاز از «کلام سعدی، آثار سعدی»	۵۶۷
ب) «ذوق ادبی» نسبت دادن «پرتوقع شدن» به «ذوق ادبی»	
پ) وجه شبه: پایه استخوان‌بندی را نهادن / ادات تشبیه: به منزله	
«زبان» مجاز از «سخن»	۵۶۸
«بازو» مجاز از «کار و تلاش، قدرت و توانایی»	۵۶۹
«روز» مجاز از «زمان، هنگام»	۵۷۰
«شمشیر» مجاز از «جنگ»	۵۷۱
«خرگه» مجاز از «قدرت و شکوه»	۵۷۲
«سرها» مجاز از «جان‌ها، انسان‌ها»	۵۷۳
«این خاک» مجاز از «سرزمین ایران» / «افسرها» مجاز از «پادشاهان، دلاوران»	۵۷۴

بادیا ← مشبّه / کشتی ← مشبّه‌به	۵۲۸
آتش	۵۲۹
دانه ← مشبّه‌به / انسان ← مشبّه	۵۳۰
بار ← مشبّه‌به / خفت ← مشبّه	۵۳۱
مشبّه ← فرزند / مشبّه‌به ← ماه	۵۳۲
تشبیه (اضافه تشبیهی): شب‌نم عشق، سرنشتر عشق	۵۳۳
مشبّه ← دل / مشبّه‌به ← کوشک	۵۳۴
تشبیه (اضافه تشبیهی)	۵۳۵
تشبیه (اضافه تشبیهی)	۵۳۶
سه تشبیه: ۱ خوش‌الحانی چو من ۱ گلشن رضوان ۳ مرغ آن چمنم	۵۳۷
مشبّه ← عشق / مشبّه‌به ← کشتی	۵۳۸
الف) با واژه «یم» (دریا)	۵۳۹
ب) دو تشبیه:	
۱ تشبیه فرات به رُشحه (قطره) ۲ تشبیه تو به یم	
الف) دو تشبیه:	۵۴۰
۱ تشبیه کبک به شاهد ۲ تشبیه روضه به فیروزه	
ب) مشبّه ← روضه / ادات تشبیه ← پسوند «فام»	
بنای زندگی (اضافه تشبیهی) / مشبّه ← زندگی	۵۴۱
وجه شبه ← لرزان بودن / ادات تشبیه ← پسوند «گون»	۵۴۲
مشبّه ← امید / مشبّه‌به ← کورسو	۵۴۳
وجه شبه ← حلقه در گوش نهادن / شاعر از آرایه «کنایه» بهره برده است.	۵۴۴
مشبّه ← کل مصراع اول / مشبّه‌به ← کل مصراع دوم / ادات تشبیه ← چو	۵۴۵
در این بیت، ایستادن شقایق سبز رنگ بر روی ساقه سبز رنگش به فرار گرفتن جام باده (شراب) بر شاخ سبز رنگ زمرد تشبیه شده است.	
تشبیه (اضافه تشبیهی)	۵۴۶
ابر (گرم مانند ابری است).	۵۴۷
عدل (عدل مانند سفره‌ای است).	۵۴۸
نش تشبیه: ۱ صحرای عدم ۲ کشور آرزو ۳ چشمه نوازش‌ها ۴ چشمه امیدها (همگی اضافه تشبیهی) ۵ تشبیه آسمان به کشور سبز آرزوها ۶ تشبیه آسمان به چشمه مواج و زلال نوازش‌ها، امیدها	۵۴۹
پسوند شباهت «وار» در واژه «سدوار»	۵۵۰
دو تشبیه: ۱ اسب کوه‌پیکر (پیکر اسب به کوه تشبیه شده است). ۲ تشبیه عباس میرزا به معبد	۵۵۱

بخش سوم معنی واژه - املائی واژه



فرمان داد	۹۱۲
زمین زراعتی	۹۱۳
فروود سرای	۹۱۴
توقیع	۹۱۵
سرسام	۹۱۶
خیلتاش	۹۱۷
مرغزار	۹۱۸
قدم	۹۱۹
قدم	۹۲۰
پنهان الف	۹۲۱
باحیا ب	
پیش از صبح ← شبگیر / ناپسندی ← کراهیت / در کنار هم ← مقارب	۹۲۲
سور ← جشن الف	۹۲۳
خسته / مجروح ← افکار ب	
وبال ← گناه ب	
برطرف شد ← زایل شد الف	۹۲۴
روانه کرد ← گسیل کرد ب	
پ -	
دریافت کرد ← بستد ت	
دریابست ← ضرورت	۹۲۵
رقعت ← یادداشت	
عمید ← بزرگوار	
کافی ← کارآمد	
مقرون ← همراه	
آسودگی ← فراغ (زاغی از آنجا که فراغی گزید)	۹۲۶
پشیمان ← غرامت زده (مانند غرامت زده از کارخویش)	
ریزه خشک و علف گیاه ← خطام (آنچه دارم از اندک مایه...)	
دشوار ← صعب (و دیگر روز امیر نامه ها فرمود...)	
گزینۀ «۳»	۹۲۷
گزینۀ «۳»	۹۲۸
گزینۀ «۱»: در گزینۀ «۲»، معنی واژه «خیرخیر»، «سریع، آسان» است.	۹۲۹
گزینۀ «۱»: «پیش از صبح» معنی واژه «شبگیر» است.	۹۳۰
گزینۀ «۲»: واژه «محبوب» در گزینۀ «۱» در معنی «پنهان» به کار رفته است.	۹۳۱
گزینۀ «۲»: واژه «علت» در عبارت سؤال و بیت گزینۀ «۲» در معنی «بیماری» به کار رفته، اما در بیت گزینۀ «۱» به معنی «دلیل» است.	۹۳۲
گزینۀ «۱»: واژه «خداوند» در عبارت سؤال و بیت گزینۀ «۲» در معنی «صاحب» آمده، اما در گزینۀ «۱» مقصود «خداوند باری تعالی» است.	۹۳۳
گزینۀ «۱»	۹۳۴
● معنی درست واژه های نادرست:	
دوال ← چرم و پوست / کراهیت ← ناپسندی / ضیعتک ← زمین زراعتی کوچک	

شیرینی	۸۷۶
خوار و زبون، اندوهگین (ذکر یک معنی کافی است).	۸۷۷
بداندیشی، گمراهی	۸۷۸
متحیر شد	۸۷۹
آشفته حال	۸۸۰
چانه	۸۸۱
ناراست، حیلہ گر	۸۸۲
رزق روزانه، خوراک، غذا	۸۸۳
غیرت، جوانمردی، مردانگی	۸۸۴
غیب	۸۸۵
چاشنی بخش	۸۸۶
دون همت	۸۸۷
چنگ	۸۸۸
دغل	۸۸۹
صنع	۸۹۰
ادبار	۸۹۱
الف : یقه: جیب	۸۹۲
ب : چانه: زرخدان	
نزدیک: قرین / جوانمردی: حمیت / غم: تیمار / سنگین: گران	۸۹۳
گزینۀ «۳»: یعنی توفیق	۸۹۴
گزینۀ «۲»: گریبان = جیب	۸۹۵
گزینۀ «۱»: واژه «چنگ» در بیت سؤال و گزینۀ «۱» در معنی «نوعی ساز» به کار رفته اما در گزینۀ «۲» به معنی «دست» آمده است.	۸۹۶
گزینۀ «۲»: اقبال = ادبار	۸۹۷
گزینۀ «۲»	۸۹۸
گزینۀ «۲»: در این گزینہ، واژه «گران» به معنی «ارزشمند» به کار رفته است.	۸۹۹
گزینۀ «۲»	۹۰۰
سریع، آسان	۹۰۱
دامنۀ سبز کوه، صحرا	۹۰۲
باغ، گلزار	۹۰۳
زیبارو، محبوب	۹۰۴
نزدیک به هم، در کنار هم	۹۰۵
مُهرشده، امضاشده	۹۰۶
آشوب	۹۰۷
سوار شد	۹۰۸
سایه بان، خیمه	۹۰۹
مجروح، خسته	۹۱۰
اجازۀ ملاقات (ورود) داده شود	۹۱۱

الف) خان ← خوان	۱۵۴۳
ب) حلال ← هلال	
بررسی غلطهای املایی در متن:	۱۵۴۴
۱) بگزاری ← بگذاری	
۲) رازی ← راضی	
الف) صد ← هم‌آوای سد	۱۵۴۵
ب) بهر ← هم‌آوای بحر	
املای درست گروه واژه‌های نادرست:	۱۵۴۶
۱) الحاح و اصرار	
۲) رغبت و خواست	
گزینه «۲»	۱۵۴۷
بررسی غلطهای املایی در سایر گزینه‌ها:	
۱) فرض ← فرز	
۳) سخره ← صخره	
۴) حلحله ← هلهله	
گزینه «۴»	۱۵۴۸
بررسی غلطهای املایی در متن سؤال:	
۱) عزمت ← عظمت	
۲) آذرخش ← آذرخش	

املای درست گروه واژه‌های نادرست:	۱۵۲۰
۱) مسحور و مجذوب	
۲) مشروعت و قانون‌گذاری	
۳) قداره‌کنشی با توسل به زور	
گزینه «۲»؛ در این گزینه، واژه «اصرار» به معنی «پافشاری کردن» با واژه «آسرار» هم‌آوا نیست؛ زیرا در تلفظ متفاوت‌اند.	۱۵۲۱
بررسی واژه‌های هم‌آوا در سایر گزینه‌ها:	
۱) غَلَم ← هم‌آوای آلم (درد و رنج)	
۳) عرض ← هم‌آوای ارض (زمین) یا ارز (پول خارجی)	
۴) صفر ← هم‌آوای سفر	
گزینه «۳»	۱۵۲۲
بقور و بدقواره ← یغور و بدقواره	
گزینه «۲»	۱۵۲۳
بررسی غلطهای املایی در متن سؤال:	
۱) فرنگی‌مآبان	
۲) می‌گذارند	
۳) مُهملی	
گزینه «۱»	۱۵۲۴
بررسی غلطهای املایی در متن سؤال:	
۱) حوزه‌ها	
۲) بیندازید	
سیاس‌گذاری ← سیاس‌گزاری	۱۵۲۵
حیا‌هوی ← هیا‌هوی	۱۵۲۶
بی‌رقبت ← بی‌رغبت	۱۵۲۷
بررسی املاهای نادرست:	۱۵۲۸
۱) خدمت‌گزار (کسی که خدمت را انجام می‌دهد).	
۲) حج‌گزار (کسی که حج را به جای می‌آورد).	
۳) سیاست‌گذار (کسی که سیاست را وضع می‌کند).	
الف) حیاط ← حیات	۱۵۲۹
ب) الهاح ← الحاح	
خوان (سفره)	۱۵۳۰
بگذار (اجازه بده)	۱۵۳۱
راضی (قانع، خرسند)	۱۵۳۲
غلثیدن	۱۵۳۳
هولم	۱۵۳۴
عظم ← عزم	۱۵۳۵
قرب ← عَرَب	۱۵۳۶
بحر ← بهر	۱۵۳۷
یگزار ← بگذار	۱۵۳۸
بحر ← بهر	۱۵۳۹
حسار ← حصار	۱۵۴۰
قضا ← غذا	۱۵۴۱
نمی‌خاستند ← نمی‌خواستند	۱۵۴۲

بخش چهارم

معنی و مفهوم شعر و نثر - تاریخ ادبیات - حفظ شعر

کسی در هر دو جهان رستگار می‌گردد که به مردم کمک کند.	۱۵۴۹
یقین و ایمان به خدا، دیده و چشم آن شخص (درویش) را بینا و آگاه نمود.	۱۵۵۰
ای جوان! به افراد تهی‌دست و سال‌خورده کمک کن.	۱۵۵۱
[آن درویش] مدتی سر در گریبان فرو برد و گوشه‌نشین شد.	۱۵۵۲
آن انسانی، خوار و زیون است که خداوند او را خوار و زیون بخواند.	۱۵۵۳
انسانی بخشنده و جوانمرد است که عاقل و خردمند است.	۱۵۵۴
از لطف و آفرینش خداوند شگفت‌زده و متحیر شد.	۱۵۵۵
خدا را سپاس می‌گویم که گریه‌شبانگاهی و سحرگاهی ما تباه نشد.	۱۵۵۶
اگر لطف و بخشش خداوند همراه کسی بشود، تمام بدبختی‌هایش به خوشبختی تبدیل می‌شود.	۱۵۵۷
اگر خداوند به عقل و خرد روشنائی و آگاهی نبخشد، تا پایان آفرینش در گمراهی باقی می‌ماند.	۱۵۵۸
نه غریبه‌ای غم او را خورد و نه آشنایی. (هیچ‌کس دلسوزش نبود) و آن‌قدر ضعیف و لاغر شد که همچون ساز چنگ، فقط رگ و استخوان و پوستی از او باقی ماند.	۱۵۵۹
شیر، شغال بخت‌برگشته را خورد و روباه از آنچه باقی ماند، سیر خورد.	۱۵۶۰



تلاش برای کسب رزق و روزی، مصداق آیه شریفه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» گزینه «۲»	۱۵۹۱	به گونه ای تلاش کن که همانند شیر، چیزی از خوراک تو برای دیگران باقی بماند. نباید مانند روباه به پس مانده غذای دیگران قانع باشی.	۱۵۶۱
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: توصیه به سعی و تلاش و نفی وابستگی به دیگران	۱۵۹۲	ای انسان حيله گرا برو و همانند شیر درنده تلاش کن و خود را مانند روباهي شل بر زمین نینداز و اظهار عجز و ناتوانی مکن.	۱۵۶۲
مفهوم بیت گزینه «۱»: دست از تلاش کشیدن و روی آوردن به گوشه نشینی و عبادت و انتظار رزق و روزی از غیب	۱۵۹۳	و اگر موافقت و تأیید الهی با انسان همراه نشود، نه از تدبیر و چاره گیری انسان و نه از عقل و اندیشه او کاری برمی آید!	۱۵۶۳
گزینه «۱»: این بیت، دقیقاً نقطه مقابل بیت سؤال است؛ زیرا شاعر در این بیت، با توکل به خداوند، دست از تلاش کشیده و تصمیم به گوشه نشینی گرفته است.	۱۵۹۴	مورچه ای را دیدند که آماده قدرت نمایی شده و ملخی را که ده برابر خود وزن داشت، برداشته بود.	۱۵۶۴
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: دعوت به سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی	۱۵۹۵	مردان بزرگ بار را با قدرت اراده، همت والا و نیروی غیرت و مردانگی خود حمل می کنند، نه با قدرت جسمانی!	۱۵۶۵
● بررسی سایر گزینه ها:	۱۵۹۶	عاشق و مددهوش شدن	۱۵۶۶
گزینه «۱»: گلایه از بی نصیب بودن از رزق و روزی	۱۵۹۷	ارزشمند و بی نظیر بودن	۱۵۶۷
گزینه «۲»: ستایش بخشش به دیگران	۱۵۹۸	اظهار عجز و ناتوانی نکن	۱۵۶۸
گزینه «۴»: ناسازگاری روزگار با انسان در روزی رسانی	۱۵۹۹	شجاع و قوی بودن و عدم وابستگی به دیگران	۱۵۶۹
گزینه «۱»	۱۶۰۰	وابسته و متکی بودن به دیگران	۱۵۷۰
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۱»: تأثیر مثبت راز و نیاز شبانگاهی و نتیجه بخش بودن گریه های عاشق	۱۶۰۱	دست از تلاش کشیدن	۱۵۷۱
● بررسی سایر گزینه ها:	۱۶۰۲	متحیر شدن	۱۵۷۲
گزینه «۲»: زیبایی چشم معشوق، عاشق را با خود به هر سومی کشد.	۱۶۰۳	آشفته حال	۱۵۷۳
گزینه «۳»: بی ثمر بودن گریه عاشق (متضاد با بیت سؤال)	۱۶۰۴	توکل و اعتماد کردن به خداوند	۱۵۷۴
گزینه «۴»: ارزشمندی دل عاشق بر اثر تحمل رنج و سختی	۱۶۰۵	کامل بودن آفرینش (نظام احسن آفرینش)	۱۵۷۵
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: ضرورت سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی	۱۶۰۶	همراهی نکردن، کناره گیری از کار	۱۵۷۶
● بررسی سایر گزینه ها:	۱۶۰۷	بداندیشی، گمراهی	۱۵۷۷
گزینه «۱»: لزوم ترک دلبستگی به جهان جهت آرامش دل	۱۶۰۸	نتیجه سعی و تلاش تو به خودت بازمی گردد.	۱۵۷۸
گزینه «۳»: برخورداری از جهان به اندازه سعی و تلاش خود	۱۶۰۹	نظام احسن آفرینش	۱۵۷۹
گزینه «۴»: تسلیم بودن در برابر سرنوشت و ترک تلاش بیهوده	۱۶۱۰	توصیه به سعی و تلاش و نفی وابستگی به دیگران	۱۵۸۰
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۲»: ضرورت سعی و تلاش برای کسب رزق و روزی	۱۶۱۱	ستایش افراد نیکوکار و تأکید بر نیکی کردن به دیگران	۱۵۸۱
● بررسی سایر گزینه ها:	۱۶۱۲	الف) بی خرد و نادان ب) افراد خردمند و دانا	۱۵۸۲
گزینه «۱»: توصیه به عاقبت اندیشی و دستگیری از خلق	۱۶۱۳	افتخاری که از راه ناپسند یا به وسیله انسانی پست و فرومایه حاصل شود.	۱۵۸۳
گزینه «۲»: توصیه به آینده نگر و عاقبت اندیشی	۱۶۱۴	آفرینش کامل و بی نقص خداوند (نظام احسن آفرینش)	۱۵۸۴
گزینه «۴»: دشمنی روزگار با اهل فضل / وارونگی ارزش ها	۱۶۱۵	گزینه «۳»: اظهار عجز از شناخت خدا	۱۵۸۵
مفهوم مشترک آیه شریفه سؤال و سایر گزینه ها: عزت و ذلت به دست خداست.	۱۶۱۶	گزینه «۳»: نظام احسن آفرینش	۱۵۸۶
مفهوم گزینه «۴»: حرص و آزمندی موجب خواری و ذلت است.	۱۶۱۷	گزینه «۴»: مفهوم بیت گزینه «۴»: بی نتیجه بودن گوشه نشینی و توکل بدون تلاش	۱۵۸۷
	۱۶۱۸	مفهوم مشترک سایر گزینه ها: یقین پیدا کردن بر رزاقیت خداوند و توکل به روزی رسانی او از غیب	۱۵۸۸
	۱۶۱۹	گزینه «۳» یعنی «خردمندی»	۱۵۸۹
	۱۶۲۰	گزینه «۲»: مفهوم مشترک این بیت با بیت سؤال: نیکی کردن به خلق، لازمه رستگاری و نیک فرجامی است.	۱۵۹۰
	۱۶۲۱	گزینه «۲»: این بیت، دقیقاً نقطه مقابل مفهوم ضرب المثل سؤال است؛ زیرا در این بیت، شاعر سعی و تلاش را رها کرده است (دو دست سعی را بر پشت بستم) و همه چیز را به اتفاقات آینده سپرده است (تا چه پیش آید).	
	۱۶۲۲	مفهوم مشترک ضرب المثل سؤال و گزینه «۱»: دعوت به	

۲۲۳۹	الف) اتکا به نفس (۴)	توجه) حواستون باشه که منظومه «فرهاد و شیرین» سروده «وحشی بافقی» رو با منظومه «خسرو و شیرین» نظامی اشتباه نگیرید!!	۲۲۶۶
	ب) شما در گِل منگرید، در دل نگرید (۳)	تحفة الاحرار و بهارستان، هر دو از آثار «جامی» هستند.	۲۲۶۷
	ب) آینده‌گری (۲)	سه دیدار: نادر ابراهیمی / دیوان غربی - شرقی: گوته	۲۲۶۸
۲۲۴۰	ت) چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (۱)	۱) تذکرة الاولیا: عطار	
	الف) برگشتن نتیجه کار و تلاش به خود (۳)	۲) عباس میرزا، آغازگری تنها: مجید واعظی	۲۲۶۹
	ب) جلوه‌های گوناگون آفرینش (۱)	فرهاد و شیرین: وحشی بافقی / روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	۲۲۷۰
	ب) جنگ با اندیشه‌های پوسیده (۵)	نادرست: نصرالله منشی مترجم کتاب «کلیله و دمنه» از عربی به فارسی است.	
	ت) مجال وقیعت یافتن (۲)	درست	۲۲۷۱
۲۲۴۱	گزینۀ «۲»	درست	۲۲۷۲
۲۲۴۲	گزینۀ «۲»	نادرست: نصرالله منشی مترجم این کتاب است نه مؤلف آن!	۲۲۷۳
	مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ «۲»: شورانگیزی و اثرگذاری کلام حافظ بر عناصر طبیعت	الف) درست	۲۲۷۴
	مفهوم گزینۀ «۱»: ارزشمندی شعر و سخن حافظ	ب) نادرست: هم‌صدا با حلق اسماعیل ← سید حسن حسینی	
۲۲۴۳	گزینۀ «۱»	پ) نادرست: زندان موصل (خاطرات اسیر آزادشده، اصغر ریاط جری) ← کامور بخشایش	
	مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینۀ «۱»: اهمیت خودشناسی و توجه به اصالت ذات	نادرست: «لیلی و مجنون» از «نظامی گنج‌ای» اما «بهارستان» اثر «جامی» است.	۲۲۷۵
	مفهوم گزینۀ «۲»: توصیه به حفظ حرمت بزرگان	درست	۲۲۷۶
۲۲۴۴	گزینۀ «۴»	درست	۲۲۷۷
	مفهوم گزینۀ «۴»: واگذار کردن ناله و زاری به روز جزا	نادرست: ظاهراً هر دو نفر با وی دیدار و ملاقات داشته‌اند.	۲۲۷۸
	مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: امیدواری به عفو الهی در روز قیامت	درست	۲۲۷۹
۲۲۴۵	مثنوی	نادرست: کتاب «چشمه روشن» اثر «غلامحسین یوسفی» است.	۲۲۸۰
۲۲۴۶	نادر ابراهیمی	درست	۲۲۸۱
۲۲۴۷	دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	نادرست: «حملة حیدری» سروده باذل مشهدی است.	۲۲۸۲
۲۲۴۸	حملة حیدری	نادرست: «پرنده‌ای به نام آذرباد» اثر ریچارد باخ و ترجمۀ «سودابه پرتوی» است.	۲۲۸۳
۲۲۴۹	چشمه روشن	درست	۲۲۸۴
۲۲۵۰	پرنده‌ای به نام آذرباد / سودابه پرتوی	درست	۲۲۸۵
۲۲۵۱	چهارپاره (دوبیتی پیوسته) / اجتماعی و سیاسی / مشروطه	نادرست: «شلوارهای وصله‌دار» اثر «رسول پرویزی» است.	۲۲۸۶
۲۲۵۲	چیران خلیل چیران	نادرست: «جوامع الحکایات» نوشته «محمد عوفی» است.	۲۲۸۷
۲۲۵۳	گلستان سعدی	اسرار التوحید / محمد بن منور	۲۲۸۸
۲۲۵۴	مثنوی	اول شخص	۲۲۸۹
۲۲۵۵	سعدی و فخرالدین عراقی	سید حسن حسینی	۲۲۹۰
۲۲۵۶	الهی‌نامه / عطار	کامور بخشایش	۲۲۹۱
۲۲۵۷	تحفة الاحرار	مثنوی	۲۲۹۲
۲۲۵۸	بوستان سعدی	منثور	۲۲۹۳
۲۲۵۹	وحشی بافقی	اسرارنامه	۲۲۹۴
۲۲۶۰	بهارستان	دکتر اسلامی ندوشن	۲۲۹۵
۲۲۶۱	زندان موصل / کامور بخشایش	قیصر امین‌پور	۲۲۹۶
۲۲۶۲	ماه نو و مرغان آواره	غلامحسین یوسفی	۲۲۹۷
۲۲۶۳	بدیع الزمان فروزانفر	نادر ابراهیمی	۲۲۹۸
۲۲۶۴	کلیله و دمنه / نصرالله منشی		
۲۲۶۵	۱) فرهاد و شیرین: وحشی بافقی		
	۲) غزلیات شمس: مولوی		

قسمت دوم

کارگاه متن پژوهی تمام دروس کتاب درسی

درس ۱ نیکی

قلمرو زبانی

الف

۱) معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

- معیار دوستانِ دغل روزِ حاجت است
- صورتِ بی صورتِ بی حیلِ غیب
- فخری که از وسیلَتِ دونه قتی رسد

- قرضی به رسمِ تجربه از دوستان طلب
- ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار

۲) برای کاربرد هریک از موارد زیر، نمونه ای در متن درس بیابید.

- پیوندهای هم پایه ساز:

۳) معانی فعل «شد» را در سروده زیر بررسی کنید.

- گریه شام و سحر، سُکر که ضایع نگشت
- منزلِ حافظ کنون بارگه پادشاست

- قطره باران ما گوهَرِ یکدانه شد
- دل برِ دلدار رفت، جان برِ جانانه شد

۴) معنای برخی واژه ها یا قرار گرفتن آنها در جمله و یا با توجه به رابطه های معنایی قابل درک است.

با استفاده از شیوه های زیر، به معنای هر یک از واژه های مشخص شده، دقیق تر می توان پی بُرد:

الف) قرار گرفتن واژه در جمله:

- ماه، طولانی بود.
- ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه های معنایی (ترادف، تضاد، تضمّن و تناسب)

- سیر و بیزار ← ترادف
- سیر و گرسنه ← تضاد
- سیر و پیاز ← تناسب
- سیر و گیاه ← تضمّن

• اکنون برای دریافت معانی واژه های «دست» و «تند» با استفاده از دو روش بالا، نمونه های مناسب بنویسید.

صائب

مولوی

اوحدی

حافظ

خرداد ۱۴۰۳

- ۱ دَغَل: حيله گر، ناراست / جیب: گریبان، تَقه / دُون هَمَتی: پستی و فرومایگی، طبعِ پست داشتن، کوتاه همتی، کوتاه اندیشه بودن
۲ پیوند هم‌پایه‌ساز — شد و تکیه بر آفریننده کرد
پیوندهای وابسته‌ساز —

کسی نیک بیند به هر دو سرای کسی نیک نیکی رساند به خلق خدای
چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش
بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
۳ شد (بیت اول) به معنی «گردید» (فعل اسنادی) / شد (بیت دوم) به معنی «رفت» (فعل غیراسنادی)
۴ «دست»:

- الف قرار گرفتن در جمله: ۱- یک دست لباس ایرانی پوشیده بودم. ۲- دستم درد می‌کرد.
ب باتوجه به رابطه‌های معنایی: ۱- دست و سرویس (ترادف) ۲- دست و پا (تناسب) ۳- دست و بدن (تصنّف)
«تند»:
الف قرار گرفتن در جمله: ۱- او تند می‌نویسد. ۲- اخلاقش نسبتاً تند است.
ب باتوجه به رابطه‌های معنایی: ۱- تند و سریع (ترادف) ۲- تند و کند (تضاد)
۳- تند و شور (تناسب) ۴- تند و مزه (تصنّف)

ب

قلمرو ادبی

ب

- ۱ از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.
۲ در بیت زیر، شاعر چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟
با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
۳ ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.
۴ در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

سعدی

- ۱ بیت ۸: زنخدان به جیب فرو بردن — کنایه از گوشه‌نشینی و تفکر
بیت ۱۱ و ۱۴: خود را انداختن — کنایه از اظهار عجز و ناتوانی
بیت ۱۴: دست کسی را گرفتن — کنایه از کمک کردن، یاری رساندن به کسی
۲ شاعر، با تکرار یک واژه در دو معنی متفاوت، «جناس همسان (تام)» ایجاد کرده است. واژه «جنگ» در ابتدای مصراع دوم به معنی «ساز جنگ» و در پایان مصراع دوم به معنی «پنجه دست» به کار رفته و جناس همسان (تام) پدید آورده است.
۳ «چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟» — [تو: مشبّه (محذوف) / چو: ادات تشبیه / روبه: مشبّه به / به وامانده سیرشدن: وجه شبّه
۴ شیر — نماد افراد تلاشگر و متگی به خود (کسانی که به قدرت و توان خود تکیه می‌کنند).
روباه — نماد افراد وابسته و طفیلی (کسانی که خود را به ناتوانی می‌زنند و به دیگران تکیه می‌کنند).

ب

قلمرو فکری

ب

- ۱ معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.
۲ درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.
۳ برای مفهوم هر یک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.
۴ درباره ارتباط معنایی متن درس و مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.
- یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد
برای مفهوم هر یک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.
۱ رزق هر چند بی‌گمان برسد شرط عقل است جستن از درها
۲ سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته جانی
۳ به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی
۴ چه در کار و چه در کار آزمودن نباید جز به خود، محتاج بودن

سعدی

فریدون مشیری

پروین اعتصامی

درس ۱۵ کبوتر طوق‌دار

قلمرو زبانی

الف

۱ درباره کاربرد و معنای فعل «ایستاد» در جمله‌های زیر توضیح دهید.

• گرازان به تگ ایستاد.

• صیاد در پی ایشان ایستاد.

۲ چهار واژه مهمّ املائی از متن درس بیابید و معادل معنایی آنها را بنویسید.

۳ در زبان معیار، حذف شناسه فعل ممکن نیست. در گذشته، گاه در یک جمله، شناسه به قرینه فعل قبلی حذف می‌شد.

خرداد ۱۴۰۳ قتی

نمونه: شیران غُریدند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید.

در جمله بالا فعل «رهانید» به جای «رهانیدند» آمده‌است.

• حال از متن درس نمونه‌ای دیگر برای حذف شناسه بیابید و بنویسید.

۱ فعل «ایستاد» در جمله اول، به معنای «شروع کردن» و در جمله دوم، در معنی «رفتن / دویدن / اصرار به کاری داشتن» به کار رفته است.

۲ صواب: درست / معونت: یاری و کمک / ثقت: اطمینان / اهمال: سهل‌انگاری کردن

۳ کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سرخویش گرفت [ند]. — حذف به قرینه لفظی

• کبوتران اضطرابی می‌کردند و هریک خود را می‌کوشید [ند]. — حذف به قرینه لفظی

ت

قلمرو ادبی

ب

۱ تشبیهات را در بیت‌های زیر بیابید و در هر مورد، «مشبّه» و «مشبّه‌به» را مشخص کنید.

درفشان لاله در وی، چون چراغی

شقایق بر یکی پای ایستاده

۲ در عبارت زیر، «استعاره» را بیابید.

چون او را در بندِ بلا بسته دید، زهاپ دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند.

۳ از متن درس، کنایه‌های مُعادلِ مفاهیم زیر را بیابید.

• انسان باتجربه (-----)

• ناامید شدن (-----)

۱ بیت اول — لاله: مشبّه / چراغ: مشبّه‌به (درفشان: وجه‌شبه / چون: ادات تشبیه)

بیت دوم — حالت قرار گرفتن شقایق سرخ بر ساقه سبز رنگ، به جام شرابی سرخ رنگ (باده‌ای) که بر روی پایه‌ای از زمرّد سبز

قرار داشته تشبیه شده است. [کُل مصراع اول: مشبّه / بر شاخ زمرّد، جام باده: مشبّه‌به] (چو: ادات تشبیه)

۲ جوی‌ها — استعاره از «اشک فراوان»

۳ انسان باتجربه — «گرم و سرد روزگار دیده»

• ناامید شدن — «دل برکنندن»

ت

قسمت سوم

چهار نمونه امتحان نهایی با پاسخ

100
mlm

آزمون نوبت دوم
ساعت شروع: ۷:۳۰ صبح

خرداد ماه ۱۴۰۴

۱

آزمون

ردیف	سؤالات امتحانی	نمره
ردیف	نمره	قلمرو زبانی
۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «به رود سندی می‌غلطید برهم ز امواج گران، کوه از پی کوه»	۲۵/۰
۲	با توجه به بیت «زاغی از آنجا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید»، کدام واژه در عبارت زیر، معادل معنایی واژه مشخص شده است؟ «شب پیشین برای شست و شوی صحرا و بوستان چابک دستی کرده، راه باغ را زفته و گونه گل‌های بنفشه را درافشان ساخته بود.»	۲۵/۰
۳	در ابیات زیر، دو واژه یابید که معنای مشترک دارند. «دریادلان راه سفر در پیش دارند» «وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم» «پاد در رکاب راهوار خویش دارند» «دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم»	۲۵/۰
۴	کدام گزینه، معادل معنایی واژه مشخص شده نیست؟ «جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم.» (۱) مظاهرت (۲) التفات (۳) معونت (۴) پشتیبانی	۲۵/۰
۵	در عبارت زیر، کدام کلمه ارزش املائی بیشتری دارد؟ «شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟»	۲۵/۰
۶	املاي درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) دوست نداشتیم از بچه‌ها فاصله بگیرند یا احساس (ترد / طرد) شدن کنند. ب) به حشرم بده نامه در دست راست ز (حولیم / هولیم) در آن روز بی‌باک کن	۵/۰

۰/۵	۷	تعداد غلط‌های املایی هرگزینه را بنویسید. الف) مصحور کار خود بودم؛ ابتدا توجهی به ماجرای شروع شده نداشتم. بی‌توجهی من و اینکه با نگاه‌ها هیچ اضطرابی نشان ندادم. معلم را در ظن خود تقویت کرد. ب) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و مزاحزو غریو خواست. امیر برخاست.
۰/۵	۸	در هرگزینه، املای یک واژه نادرست است؛ آن مورد را اصلاح کنید. الف) اوست که عادل مطلق است / و خان عدل خود را بر همگان گسترده / باشد که از میان آسمای صدگانه‌اش / او را به همین نام بستاییم، آمین! ب) بدر در میدان او حلالی بودی و رستم به دستان او زالی.
۰/۲۵	۹	در قسمت اول شعر زیر، نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید. «او اختران را در آسمان نهاده / تا به بز و بحر نشانمان باشند.»
۰/۵	۱۰	در عبارت زیر، ابتدا نقش تبعی را پیدا کنید و سپس نوع آن را بنویسید. «مادر فریدون، فرانک، پسر را به البرزکوه می‌برد و به مردی پاک‌دین می‌سپرد.»
۰/۵	۱۱	نوع صفت بیانی موجود در هرگزینه را بنویسید. الف) بنابراین خاله‌ام با همه تمکنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود. ب) از این سید روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
۰/۲۵	۱۲	معنای فعل «شد» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟ ۱) هنر خوار شد، جادویی ارجمند ۲) از شبنم عشق، خاک آدم گل شد ۳) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد ۴) چو آتش در سپاه دشمن افتاد نهان راستی، آشکارا گزند صد فتنه و شور در جهان حاصل شد شد و تکیه بر آفریننده کرد ز آتش هم کمی سوزنده تر شد
۰/۵	۱۳	با توجه به عبارت‌های زیر، موارد ذکر شده در داخل کمانک را پاسخ دهید. الف) پس از نماز کس فرستاد و قاضی بوالحسن و پسرش را بخواند و بیامدند، بو نصر، پیغام امیر به قاضی رساند. (نوع وابسته پیشین مشخص شود). ب) برافراخت پس دست خیرگشا (نوع وابسته پسین مشخص شود).
۰/۲۵	۱۴	با توجه به شعر زیر، در کدام گزینه، زمان افعال، به ترتیب درست آمده است؟ «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی» ۱) مضارع التزامی - ماضی بعید - مضارع اخباری ۲) مضارع التزامی - ماضی نقلی - مضارع اخباری ۳) مضارع اخباری - ماضی نقلی - مضارع اخباری ۴) ماضی ساده - ماضی نقلی - ماضی استمراری
۰/۵	۱۵	در عبارت زیر، جمله مجهول را بیابید و آن را به جمله معلوم تبدیل کنید. «پیش از غیبت شمس، شاگردان به مولانا این گونه خبر دادند که شمس کشته شد ولی دلش بر درستی این خبرگواهی نمی‌داد.»
۰/۵	۱۶	نقش دستوری موارد مشخص شده را بنویسید. الف) دریاب که مبتلای عشقم ب) آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن. آزاد کن از بلای عشقم
۰/۵	۱۷	برای هر کدام از واژگان مشخص شده، در گذر زمان، کدام یک از وضعیت‌های چهارگانه پیش آمده است؟ الف) از آن چرم کاهنگران پشت پای ب) آن مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد. بیوشند هنگام زخم درای
۰/۵	۱۸	با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید. «هلا منکر جان و جانان ما الف) واژه مشخص شده، چه نقش دستوری دارد؟ ب) نوع «و» را مشخص کنید. بزن زخم انکار بر جان ما»


 آزمون نوبت دوم
ساعت شروع: ۷:۳۰ صبح

 اردیبهشت ۱۴۰۴
(شبه نهایی)

۴

آزمون

ردیف	سؤالات امتحانی	نمره
	قلمرو زبانی	نمره
۱	در عبارت زیر، معنی واژه مشخص شده را بنویسید. و نیز در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ، موافقت اولی‌تر، و آلا طاعنان مجال وقیعت یابند.	۲۵/۰
۲	در کدام یک از گزینه‌های زیر، واژه‌ای نادرست معنی شده است؟ (۱) متعصب: غیرتمند - شبگیر: پیش از صبح - رفعت: یادداشت (۲) شایق: مشتاق - رأفت: شفقت - عندلیب: هزارستان (۳) بذله‌گو: شوخی - رشحه: چکه - نفیر: فریاد (۴) دژم: خشمگین - پور: پسر - صواب: صلاح	۲۵/۰
۳	در کدام یک از ابیات زیر، مترادف واژه «هزبر» وجود ندارد؟ (۱) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد (۲) شجاع غضنفر، وصی نبی (۳) فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ برانگیخت آب‌رش برافشانند گرد نهنگی یم قدرت حق، علی بود سهمگین جنگ شیرو پلنگ	۲۵/۰
۴	کدام گزینه، معادل معنایی واژه «پرچم» نیست؟ (۱) بیرق (۲) درفش (۳) علم (۴) رای	۲۵/۰
۵	در ابیات زیر، املائی واژه‌ای نادرست است، آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. الف) مرا اوج عزت در افلاک توس ب) بر مصطفی بحر رخصت دوید به چشمان من کیمیا خاک توس از او خواست دستوری اما ندید	۵/۰
۶	املائی درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) من (غلا/ قلا) کردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بچه‌اش. ب) و ما حق این نعمت ندرستی که باز یافتیم، لختی (گذارد / گزارده) باشیم.	۵/۰
۷	در متن، نادرستی املائی را مشخص کرده و صحیح آن را بنویسید. سپیده فردای گنجه با نهیب و سفیر گلوله‌های توپ روس، باز شد و تفنگ‌داران، مشتاقانه و مصمم قدم برمی‌داشتند.	۵/۰
۸	برای جای خالی، مناسب‌ترین واژه را از نظر املائی انتخاب کنید. الف) همیشه گرفتار انتخاب بود. «در ماه مبارک رمضان یا در محرم و (سقر، صفر) آیا برای تبلیغ بروم؟» ب) مردان بار را به نیروی همت و بازوی (حمیت، همیت) کشند، نه به قوت تن.	۵/۰
۹	وابسته پیشین را در عبارت زیر مشخص کنید. آن را از میرزا سلیمان خریدم و به چشم گذاشتم و عینکی شدم.	۲۵/۰
۱۰	وضعیت کدام دو واژه در گذر زمان، یکسان است؟ (۱) شوخ و سوگند (۲) سوفار و کثیف (۳) فتراک و رکاب (۴) خنده و سپر	۲۵/۰

پاسخ آزمون ۱ خرداد ۱۴۰۴



۱	سنگین - عظیم (ب/۲۵)
۲	صحرا (ب/۲۵)
۳	راهوار - باره (ب/۲۵) (به نوشتن هر دو واژه با هم، نمره تعلق می‌گیرد و نه یک واژه به تنهایی)
۴	گزینۀ «۲»: التفات (ب/۲۵)
۵	ازل (ب/۲۵)
۶	الف طرد (ب/۲۵) ب هولم (ب/۲۵)
۷	الف ۲ (مسحور - اضطراب) (ب/۲۵)
۸	ب ۳ (خواست - هزاهز - خاست) (ب/۲۵)
۹	الف خوان (ب/۲۵) ب هلالی (ب/۲۵)
۱۰	تضمّن (ب/۲۵) [اختران و آسمان]
۱۱	قرانک (ب/۲۵) بدل (ب/۲۵)
۱۲	الف درویشانه ← «نسبی» (ب/۲۵) روان ← فاعلی (ب/۲۵)
۱۳	(صرفاً به نوشتن «درویشانه» یا «روان» نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد.)
۱۴	گزینۀ «۳» (ب/۲۵)
۱۵	الف شاخص (ب/۲۵) [قاضی (قاضی بوالحسن)]
۱۶	ب صفت بیانی، صفت فاعلی یا صفت [خیبرگشا]
۱۷	گزینۀ «۲» (ب/۲۵)
۱۸	شمس کشته شد. (ب/۲۵)
۱۹	شمس را کشتند/ شمس را کشت. (ب/۲۵) (ذکر نهاد جمله، اجباری نیست) (چنانچه از ابتدا فقط صورت معلوم شده جمله مجهول نوشته شود، نمره کامل تعلق می‌گیرد.)
۲۰	الف مفعول (ب/۲۵) ب مضاف الیه (ب/۲۵) [ستدن آن]
۲۱	الف «وضعیت الف» یا «از فهرست واژگان حذف شده» یا «محدوف» یا «متروک» (ب/۲۵)
۲۲	ب «وضعیت ب» یا «با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید به دوران بعد منتقل شود» یا «تحول معنایی» یا «تغییر معنایی» (ب/۲۵)
۲۳	الف متمم (ب/۲۵) ب واو عطف (ب/۲۵)
۲۴	یادبا (ب/۲۵)
۲۵	الف سود و برخورداری‌ها، افراد مفید و بخشنده‌ای که تلاششان در معرض دید است. (ب/۲۵)
۲۶	ب در سایه ایستادن (ب/۲۵)
۲۷	مردم (ب/۲۵) [جهان]
۲۸	الف کمان‌گیر (ب/۲۵)

۲۹	ب شمشیر (ب/۲۵) (به نوشتن هردو مورد باهم نمره تعلق می‌گیرد و نه یک مورد)
۳۰	تشخیص (ب/۲۵)
۳۱	واج‌آرایی (ب/۲۵)
۳۲	ذوق لطیف (ب/۲۵)
۳۳	جناس ناهمسان (ب/۲۵) [شیر و سیر]
۳۴	خرق عادت (یا داستانی) (ب/۲۵)
۳۵	الف استعاره (ب/۲۵) ب متناقض‌نما (ب/۲۵)
۳۶	الف درست (ب/۲۵) ب نادرست (ب/۲۵) ب نادرست (ب/۲۵)
۳۷	چشمه روشن (ب/۲۵)
۳۸	گزینۀ «۲»: عشق یا آزار خویشاوندی دیرینه دارد (ب/۲۵)
۳۹	جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اَمّا (ب/۲۵)
۴۰	به چشمان من کیمیا خاک توست (ب/۲۵) (فقط به نوشتن مصراع به طور کامل، نمره تعلق می‌گیرد.)
۴۱	تحسین دلاوری‌ها و شجاعت‌ها توشیح دشمن (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۴۲	یافتن تکامل، رشد و پیشرفت (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۴۳	گزینۀ «۳»: اظهار عجز از شناخت خدا (ب/۲۵)
۴۴	الف اتکا به نفس (ب/۲۵)
۴۵	ب شما در گل منگرید، در دل نگرید (ب/۲۵)
۴۶	ب آینده‌نگری (ب/۲۵)
۴۷	ت چه یاشی چو روبه به وامانده سیر (ب/۲۵)
۴۸	قانع بودن، اهمیت دادن به حلال و حرام (ب/۲۵)
۴۹	«بازگشت به اصل خویش» (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۵۰	خدا - ضحاک (ب/۲۵)
۵۱	چشمانم ضعیف بود. (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۵۲	برای چاره‌جویی (ب/۲۵) به گفت‌وگو پرداختند. (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۵۳	عاشقانه (ب/۲۵) به استقبال شهادت رفتن (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۵۴	اطاعت (ب/۲۵) از فرمان رهبر واجب است (ب/۲۵) (یا هر مفهوم مشابه)
۵۵	کسی در هر دو جهان رستگار می‌گردد (ب/۲۵) که به مردم کمک کند. (ب/۲۵)
۵۶	من هیچ نیازمند (محتاج) در بُست نمی‌شناسم (ب/۲۵) که بتوانم طلا را به او بدهم. (ب/۲۵)
۵۷	اگر از این شخص به ما آسیبی برسد (ب/۲۵) از این جایگاه خواهد بود. (ب/۲۵)
۵۸	در وقت آسایش (ب/۲۵) همراهی بهتر است (ب/۲۵) وگرنه سرزنش‌کنندگان (ب/۲۵) فرصت بدگویی پیدا می‌کنند. (ب/۲۵)

- ت من کمین کردم (در پی فرصت بودم). ۵/۲۵
ث نمی دانست که در کجا ساکن شود یا اقامت کند. ۵/۲۵
ج از آنها که به شهادت رسیدند ۵/۲۵ و خطر را پذیرفتند. ۵/۲۵
ح ای جوان به انسان ضعیف (ناتوان) ۵/۲۵ کمک کن. ۵/۲۵
ح وقتی که لشکر، او را محاصره کرد. ۵/۲۵ اسب را مانند کشتی در آب انداخت. ۵/۲۵
خ خرامان (با ناز و تکبر) ۵/۲۵ شروع به دویدن کرد. ۵/۲۵
د یعنی امام خمینی (مانند حضرت موسی) ۵/۲۵ قصد نابودی ۵/۲۵ دشمن (اسرائیلی ها) را کرد. ۵/۲۵

پاسخ آزمون ۴

اردیبهشت ۱۴۰۴ شبه نهایی

- ۱ بدگویی، سرزنش، عیب جویی ۵/۲۵
۲ گزینه «۳»: بذله گو ۵/۲۵ شوخ ۵/۲۵
۳ گزینه «۱»: غضنفر، هزبر ۵/۲۵ شیر ۵/۲۵
۴ گزینه «۴»: رای ۵/۲۵
۵ ب «بحر» ۵/۲۵، «بهر» ۵/۲۵
۶ الف فلا ۵/۲۵
ب گزارده ۵/۲۵
۷ سفیر ۵/۲۵، صغیر ۵/۲۵
۸ الف صفر ۵/۲۵
ب حمیت ۵/۲۵
۹ میرزا ۵/۲۵ (شاخص)
۱۰ گزینه «۱»: شوخ و سوگند ۵/۲۵
۱۱ قید ۵/۲۵
۱۲ الف داده آید ۵/۲۵
ب تب ۵/۲۵ معطوف ۵/۲۵
الف گرفتار ۵/۲۵
ب ستودنی ۵/۲۵
الف مفعول ۵/۲۵
ب متمم ۵/۲۵
الف نادرست ۵/۲۵
ب درست ۵/۲۵
الف رفت یا فعل «غیراسنادی» ۵/۲۵
ب «فعل اسنادی» ۵/۲۵
الف گر ۵/۲۵
ب متمم ۵/۲۵

- الف اسرار التوحید ۵/۲۵ محمد بن منور ۵/۲۵
ب شلوارهای وصله دار ۵/۲۵ رسول پرویزی ۵/۲۵
۲۶ جبران خلیل جبران ۵/۲۵
۲۷ الف رقت بر این قاعده روزی سه چار ۵/۲۵
ب گزینه «۲» عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد ۵/۲۵
ب ۱. رود دژه ای گر ز خاکت به باد
به خون من آن دژه آغشته باد ۵/۲۵ [با توجه به جابه جایی
واژه در هر دو مصراع، چنانچه هر کدام از مصراع ها را درست
بنویسید، نمره تعلق می گیرد.]
۲. دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست ۵/۲۵
۲۸ الف قانع بودن ۵/۲۵
ب مسئولیت پذیری ۵/۲۵
پ وفاداری ۵/۲۵
۲۹ دریای خون ۵/۲۵ «میدان جنگ» ۵/۲۵
۳۰ با اشتیاق به استقبال شهادت رفتن (یا هر پاسخ مشابه دیگر) ۵/۲۵
۳۱ دل ۵/۲۵
۳۲ از بین رفتن ارزش ها (روح ضد ارزش ها و ناهنجاری ها در جامعه /
بی ارزش شدن فضایل اخلاقی) ۵/۲۵
[ذکر یک مورد کافی است، برای این سؤال به هر پاسخ مشابه
دیگر، نمره تعلق می گیرد.]
۳۳ شیر اله ۵/۲۵ حضرت علی (ع) ۵/۲۵
ازدها ۵/۲۵ عمرو (عمرو بن عبدود) ۵/۲۵
۳۴ مفهوم مشترک ۵/۲۵ «وجود موانع و مشکلات» ۵/۲۵
۳۵ درازی قد (یا هر معنی یا مفهوم مشابه دیگر) ۵/۲۵
۳۶ الف سخت بودن تغییر عادت ها یا ترس از تغییر عادت ها ۵/۲۵
ب بازگشت همه به عالم بالا است. ۵/۲۵
ب تأکید بر شکرگزاری در هر شرایطی ۵/۲۵
[برای این سؤال به هر پاسخ مشابه دیگر، نمره تعلق می گیرد.]
۳۷ الف اعتقاد به خواست و مشیت الهی ۵/۲۵
ب فروتنی، شرط رسیدن به بزرگی است. ۵/۲۵
(به نوشتن خود کلمه «فروتنی» نیز نمره تعلق می گیرد.)
[برای این سؤال به هر پاسخ مشابه دیگر، نمره تعلق می گیرد.]
۳۸ الف با شادی شروع به نوشتن کرد. ۵/۲۵
ب عشق با شتاب می آمد. ۵/۲۵
پ آن یکی، یاری کننده (مَددکننده) زندگی است. یا (آن یکی
یاری کننده حیات است.) [با اشاره به معنی «ممد» به تنهایی
نمره تعلق می گیرد.] ۵/۲۵